

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پرسمان فجر انقلاب

ویژه‌نامه ایام الله دهه فجر انقلاب اسلامی

تهیه شده در نمایندگی مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی در اصفهان

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان

انقلاب کبیر اسلامی بکلی جهت را عوض کرد و ورق را برگرداند. همت امام - که رهبر این انقلاب و زمامدار این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود - بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیاء کند؛ عزت آنها را به آنها برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ «ما میتوانیم» را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جایگزین کرد؛ این همان فرهنگ قرآنی است که فرمود: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین». خود ایمان به معنای علو است. ایمان وسیله‌ی علو مادی است، اما فقط این نیست؛ نفس ایمان علو آور است، عزت آور است، یک ملت را رشد میدهد. خود امام جلو افتاد، رهبری کرد، آن وقت انگیزه‌ها در مردم بیدار شد، همتها در مردم بیدار شد، استعدادها جوشیدن گرفت؛ و عمل مردم، حضور مردم در صحنه، زمینه‌ی جلب رحمت الهی شد. این، نکته‌ی بسیار عظیمی است. رحمت الهی گسترده است؛ اما تا انسان ظرف خود را آماده نکند، این باران رحمت گیر او نمی‌آید. ملت ما به صحنه آمد، خود را در وسط میدان قرار داد، این شد زمینه‌ی رحمت الهی و هدایت الهی؛ هدایت الهی شامل حال او شد، رحمت الهی شامل حال او شد، حرکت بی‌وقفه آغاز شد؛ حرکت به سمت عزت، حرکت رو به جلو، حرکت عزت‌آفرین؛ البته گاهی کند، گاهی تند، اما بدون وقفه و تعطیل.

مقام معظم رهبری

۱۳۹۱/۰۳/۱۴

با کلیک بر روی هر سؤال به پاسخ آن منتقل خواهید شد.

بخش سیاسی اجتماعی

۱. پیشرفت‌های علمی انقلاب اسلامی نسبت به زمان شاه به صورت ملموس برای توضیح نسبت به قشر جوانان چیست؟
۲. پیشرفت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی نسبت به دوران ستم‌شاهی چه جایگاهی پیدا کرده است؟
۳. دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی نسبت به زمان شاه چگونه ارزیابی می‌شود؟
۴. پرداختن به مباحث و رویدادهای انقلاب و بزرگداشت ایام‌الله دهه فجر چه ضرورتی دارد؟
۵. انقلاب چه نفعی به حال مردم و جامعه داشت؟ آیا به واسطه انقلاب چیزی جز فقر و سختی و گرفتاری عاید مردم شد؟
۶. چه آسیب‌ها و آفات قطار انقلاب اسلامی را از ریل خارج می‌کند؟
۷. مهم‌ترین راهکارهای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی چیست؟
۸. تفاوت گام دوم انقلاب نسبت به گام اول انقلاب در چیست؟
۹. انقلاب ایران و استمرار آنچه نقشی در تمدن‌سازی نوین اسلامی ایفا می‌نماید؟
۱۰. آیا عیار معنویت و اخلاق بعد از انقلاب اسلامی ایران رشد کرد یا تنزل نمود؟

بخش کلام و عقاید

۱. آیا تشکیل حکومت قبل از ظهور امام زمان ممنوع است؟
۲. حق اعتراض و انتقاد در نظام جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد؟
۳. چرا رهبر معظم انقلاب ادعا دارند که تحریم‌های اقتصادی بر زندگی افراد جامعه اثر نداشته است در صورتی که مشاهدات و واقعیت برخلاف این موضوع هست؟
۴. آیا جمهوریت با اسلامت قابل جمع است؟ به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی واژه‌ای متناقض باشد؟

بخش فقه و احکام

۱. آیا در مناسبت‌های ملی مثل دهه فجر، می‌توان در داخل مسجد آهنک‌های حماسی را پخش و اجرا کرد؟
۲. نصب تصویر امام خمینی (ره) و شهدای انقلاب اسلامی در مساجد، با توجه به این که راجع به کراهت آن مطالبی وجود دارد، چه حکمی دارد؟
۳. آیا انتقاد از مسئولین در جمعی که آن‌ها حضور ندارند، غیبت محسوب می‌شود؟
- ۴- در تعارض بین فتوای مجتهدم با ولی فقیه کدام را باید عمل کنم؟

بخش اخلاق و تربیت اسلامی

۱. پدرم موافق فعالیت بنده در بسیج یا شرکت در راهپیمایی و... نیست. چگونه او را راضی کنم؟
۲. در شب‌نشینی‌ها، محل کار و... با افرادی که به‌نظام و رهبری توهین می‌کنند چگونه باید رفتار کرد؟
۳. با همسر در مسائل سیاسی اختلاف نظر داریم. چگونه باید رفتار کنم که این اختلاف نظر منجر به مشکل نشود و همسویی پیدا کنیم؟

بخش سیاسی و اجتماعی

۱. پیشرفت‌های علمی انقلاب اسلامی نسبت به زمان شاه به صورت ملموس برای توضیح نسبت به قشر جوانان چیست؟ برای برشمردن برکات نظام مقدس اسلامی در راستای پیشرفت در حوزه‌ی علم و فناوری، نیاز به تدوین چندین جلد کتاب است اما از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی به چند نمونه اشاره می‌شود:
 ۱. گسترش سوادآموزی و ارتقای علمی جامعه: قبل از انقلاب، بسیاری از مردم حتی در شهرها بی سواد بودند؛ برای نمونه، در سال ۱۳۵۵، بیش از ۶۴ درصد جمعیت پانزده‌ساله بی‌سواد مطلق بودند [۱]. پس از انقلاب، با شکل‌گیری نهضت سوادآموزی و گسترش مراکز آموزشی، میلیون‌ها ایرانی باسواد شدند. قبل از انقلاب، ۲۵ درصد بزرگسالان با سواد بودند، ولی طبق آمار سال ۱۳۹۵، میزان باسوادی افراد شش سال به بالا به ۸۸ درصد رسیده است [۲].
 - پس از انقلاب، تعداد دانشگاه‌های کشور از ۱۵ واحد به بیش از ۲۶۴۰ واحد و تعداد مدارس از ۴۷ هزار واحد به ۲۲۰ هزار واحد رسیده [۳] و شمار دانشجویان، رشد ۲۵ برابری داشته است [۴]. علاوه بر آن، امروزه ۲ درصد از تولید علم جهان متعلق به ایران است و بیش از ۲۰۰ دانشمند ایرانی در زمره دانشمندان برتر جهان قرار دارند [۵]. پژوهش‌های در زمینه‌های مختلف علمی گسترش یافته و پژوهشگران ایرانی، بیش از ۱۱۵ فرآورده علمی به ثبت رسانده‌اند [۶]. طبق آمار سال ۲۰۱۷، ایران از نظر تعداد مقالات علمی، رتبه اول علمی در منطقه، رتبه شانزدهم در جهان و رتبه هفدهم در بیشترین ارجاعات علمی را کسب کرده است [۷]. در ثبت اختراعات نیز ایران، پس از انقلاب (تا سال ۱۳۹۲)، با ثبت بیش از ۲۶۱۹۶ اختراع علمی، موفق به احراز رتبه شانزدهم جهان شده است [۸].
۲. فناوری نانو: ایران، پس از انقلاب، در فناوری نانو چنان پیشرفت کرد که اکنون در جایگاه ششمین کشور پیشرو در زمینه تولیدات فناوری نانو قرار دارد.
۳. فناوری هسته‌ای: با کوشش دانشمندان هسته‌ای توانستیم در ۲۶ بهمن ۱۳۹۰ به ساخت میله سوخت هسته‌ای ۲۰ درصد غنی‌شده دست پیدا کنیم. ایران جزو سیزده کشور دارنده چرخه سوخت هسته‌ای است [۹]. استفاده از این انرژی در کشاورزی، پزشکی، مهندسی و... بسیار سودمند و مؤثر است.
۴. فناوری فضایی: بعد از انقلاب، ایران موفق به پرتاب ماهواره «سینا ۱» در سال ۱۳۸۴، پرتاب کاوشگر «پژوهش» (و ارسال موجود زنده به فضا) در سال ۱۳۹۲ شده است [۱۰]. ایران، در زمینه پرتاب و در بخش‌های ناوبری و علوم اکتشافات، رتبه دوم و در بخش‌های سنجش از راه دور و فناوری‌های ماهواره، رتبه پنجم جهان را از آن خود کرده است [۱۱].

۵. فناوری سلول های بنیادین: با کمک این فناوری می توان بافت های آسیب دیده بدن را بازسازی و ترمیم کرد. دانشمندان ایران توانستند در «پژوهشکده رویان» اصفهان سلول های بنیادی را شبیه سازی کنند. ایران در این علم، جزو پانزده کشور برتر جهان و دارای رتبه نخست در منطقه است.

پی نوشت ها:

۱. «نگاهی به کارنامه رژیم پهلوی در حوزه سوادآموزی»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد خبر: ۵۲۳۳، ۱۳۹۸/۷/۲۱.
۲. حشمت زاده، باقر (۱۳۷۸)، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ص ۵۵.
۳. «مقایسه وضعیت علمی کشور در دوران پهلوی و پس از انقلاب»، شبکه اطلاع رسانی راه دانا، کد خبر: ۲۲۴۱۷۳، ۱۳۹۳/۱۱/۶.
۴. همان.
۵. «۲۰۰ دانشمند ایرانی در جمع دانشمندان برتر جهان»، خبرگزاری تابناک، کد خبر: ۸۳۱۵۵۹، ۱۳۹۷/۶/۱۶.
۶. همان.
۷. دانشگاه امام حسین (ع)، ایران ۲۰، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، ص ۷۱.
۸. همان.
۹. «ایران جزو سیزده کشور دارنده چرخه سوخت هسته ای است»، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، کد خبر: ۸۲۸۸۲۸۲۹، ۱۳۹۸/۱/۲۱.
۱۰. ر.ک: وبگاه پژوهشگاه هوافضا به نشانی: www.ari.ac.ir
۱۱. پایگاه اطلاع رسانی بنیاد ملی نخبگان، کد خبر: ۷۶۲۶۸، ۱۳۹۷/۴/۹، قابل بازیابی در پیوند www.bmn.ir

۲. پیشرفت های فرهنگی انقلاب اسلامی نسبت به دوران ستم شاهی چه جایگاهی پیدا کرده است؟

دستاوردهای فرهنگی انقلاب بر هویت دینی و ملی و ارزش های انقلابی متکی است. استقلال و خودباوری فرهنگی، مبارزه با مظاهر فساد، هویت یابی اسلامی-ایرانی، گسترش فرهنگ عاشورا، تحول در محتوای کتب و متون درسی و نشر کتب، تحول در محتوای مجلات و برنامه های صداوسیما، ارتقاء سطح بینش و آگاهی های عمومی و اجتماعی جامعه از مهم ترین دستاوردهای فرهنگی انقلاب است که در ادامه تبیین می شود:

۱. تحول در رویکردهای فرهنگی و حرکت به سوی بازیابی فرهنگ ناب اسلامی به جای اسیر شدن در گرداب فرهنگ منحط غربی قبل از انقلاب؛ این دستاورد را نه تنها باید یکی از بزرگ ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران دانست، بلکه شاید بتوان آن را اصلی ترین دستاورد انقلاب تلقی کرد؛ زیرا بر پایه آن، دیگر فعالیت های فرهنگی نیز در مسیر درست قرار گرفتند. نوع فرهنگ هر جامعه، اساس و محرک تحولات و تعیین کننده مسیر حرکت آن جامعه است. رژیم شاه با درک این واقعیت، تلاش داشت با تبدیل فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی به فرهنگ منحط غربی، اهداف و منافع کشورهای غربی را در ایران تأمین کند. امام خمینی نیز با اشراف بر همین موضوع کوشید با بهره گیری از زیرساخت های فرهنگی جامعه با این توطئه مقابله کند. بر این اساس، انقلاب

اسلامی هم از زیرساخت‌های فرهنگی جامعه ایرانی همچون جهاد و شهادت و ذلت‌ناپذیری و... نشأت گرفت و هم آغازی شد برای تحولات عظیم فرهنگی دیگر؛ تحولاتی که در دیدگاه‌های اسلامی امام خمینی (ره) در قالب آرمان تجلی یافتند و با پیروزی انقلاب اسلامی، با عنوان آرمان‌های فرهنگی انقلاب مطرح شدند. امام (ره) همواره بر این آرمان محوری پافشاری می‌کرد و معتقد بود هدف اصلی انقلاب، زنده کردن احکام اسلام و تحقق آن در جامعه است (امام خمینی، آیین انقلاب اسلامی، سخنان برگزیده، ص ۴۳۲، به نقل از فرهنگ، جامعه، انقلاب (مجموعه مقالات)، کانون اندیشه جوان، ص ۱۴۱).

شماری از اهداف فرهنگی نظام که طبق اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است برای تحقق آن‌ها بکوشد، عبارت‌اند از:

- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با مظاهر فساد و تباهی؛
- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و ابزار دیگر؛
- تقویت روح تحقیق و ابتکار، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم.

گفتنی است اگرچه مهم‌ترین رسالت انقلاب اسلامی ایران، رسالت فرهنگی است و بدین منظور اقدامات مهمی نیز صورت گرفته است - با توجه به وضعیت موجود و مقایسه آن با آرمان‌های انقلاب - مسلماً نمی‌توان وضعیت فرهنگی امروز جامعه را مطلوب دانست. تا تحقق این آرمان‌ها، گام‌های مهمی باقی مانده است؛ هرچند تا همین مرحله نیز موانع زیادی چون تهاجم فرهنگی دشمنان، ضعف مدیریت فرهنگی، غفلت از فرهنگ در پاره‌ای از موقعیت‌ها و... بر سر راه بوده است؛ بنابراین، در ارزیابی توفیقات و ریشه‌یابی ضعف‌های فرهنگی انقلاب اسلامی باید این موانع را هم در نظر بگیریم. در مجموع، روند کلی نظام جمهوری اسلامی به سوی تحقق اهداف دینی و برپایی احکام و ارزش‌های اسلامی است؛ هرچند تا رسیدن به مرحله آرمانی و تحقق کامل نظام اسلامی فاصله زیادی وجود دارد، همان‌گونه که امام راحل در وصیت‌نامه الهی-سیاسی خود فرموده است: «این جانب هیچ‌گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی برخلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند، لکن عرض می‌کنم که قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه، با زحمات جان‌فرسا، کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند و ملت ده‌ها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند» (امام خمینی، وصیت‌نامه الهی-سیاسی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۲). مقام معظم رهبری نیز در این باره فرمود: «ما هنوز تا یک جامعه کاملاً اسلامی که نیکبختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کج‌روی و ظلم و انحطاط را ریشه‌کن سازد، فاصله زیادی داریم. این فاصله باید باهمت مردم و تلاش مسئولان طی شود» (حدیث ولایت، ج ۴: ص ۲۵۲ و ۲۵).

۲. توجه به فرهنگ دینی در سطح عموم مردم جامعه؛ نمی توان آمار دقیقی در این باره ارائه کرد، اما با مشاهده عینی و میدانی، به راحتی می توان این تغییر رویکرد را در فرهنگ مردم احساس کرد؛ برای مثال، امروز هزاران هیئت مذهبی در سراسر کشور تشکیل شده است و مردم (به ویژه جوانان) در هیئات و برنامه های مذهبی مانند اعتکاف حضور گسترده ای دارند، سفر به اماکن مقدسی همچون مکه، عتبات عالیات عراق و سوریه، مشهد مقدس و دیگر اماکن زیارتی، نسبت به گذشته رشد چشمگیری داشته است. نقش انقلاب اسلامی در افزایش گرایش جامعه به دین و مذهب این است که نظام جمهوری اسلامی کوشیده با ترویج و تبلیغ معارف اسلامی، فضای مناسبی را برای گرایش به ارزش ها و دین داری فراهم کند؛ بدین منظور، نظام اسلامی از ظرفیت های رسانه ملی، آموزش و پرورش، آموزش عالی، مساجد و پایگاه ها و کانون های فرهنگی و حضور روحانیت بهره گرفته تا با اجرای برنامه های گوناگون، باورهای دینی را در جامعه تقویت کند؛ شماری از این برنامه ها عبارت اند از: برگزاری دوره های تربیت مربی، دوره های آموزشی سفیران هدایت و تربیت راهنما، اجرای طرح اوقات فراغت، طرح روحانی مستقر، طرح هجرت، طرح بلاغ آینده سازان و تشکیل گروه های تبلیغی جهادی و غیره. حضور پرشور مردم، به ویژه جوانان، در مراسم مذهبی، هیئت های مذهبی، عزاداری ها و مراسم اعتکاف و احیاء شب های قدر و... بیانگر تقویت دین داری و دین گرایی جوانان و تأثیرات نظام جمهوری اسلامی در این بخش است. هر چند بر اثر عوامل مختلف، ریزش هایی در زمینه مسائل دینی و فرهنگی رخ داده است، رویش های قابل توجهی نیز در این زمینه، به ویژه در میان جوانان، پدیدار شده که با قبل از انقلاب اسلامی قابل مقایسه نیست.

۳. استقلال و خودباوری فرهنگی؛ استقلال فرهنگی یعنی محافظت از فرهنگ و ارزش های جامعه در برابر تهاجم فرهنگی بیگانه و پرهیز از وابستگی فکری و ارزشی به کشورهای دیگر؛ به طوری که جامعه بتواند با افکار و تمایلات و خصیصه های فکری خود زندگی کند (صحیفه امام، ج ۱: ص ۳۹۰). با پیروزی انقلاب اسلامی، تقویت فرهنگ خودی و سبک زندگی اسلامی جانشین اسلام زدایی و ترویج فرهنگ غربی شد و به گفته رهبر معظم انقلاب، «امروز استقلال فرهنگی در این کشور، روزبه روز در حال پیشرفت است و خودباوری فرهنگی بیشتر می شود» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان جوان، ۱۳۸۵/۶/۲۵). عرصه های خودباوری و استقلال فرهنگی در نظام اسلامی عبارت اند از:

الف استقلال فکری: استقلال فکری زمینه ساز توسعه دانش و فناوری، پرورش استعدادها، ابتکار و خلاقیت های پرشمار نخبگان ایرانی در عرصه های مختلف علم و فناوری شد؛

ب زبان و ادبیات: انقلاب اسلامی کوشید با تقویت زبان و ادبیات فارسی، لغات بیگانه را از این زبان ملی بزداید؛ ج هنر: با پیروزی انقلاب اسلامی، فرهنگ و هنر غربی، خودباختگی و ابتدال در هنر و هنرمندان جای خود را به توجه به هنر واقعی و سوژه های انقلابی، اسلامی و شخصیت ها و مفاخر ایرانی و اسلامی داد؛

د پوشش: با پیروزی انقلاب اسلامی پوشش ایرانی - اسلامی جایگزین پوشش متأثر از کشورهای غربی گردید.

۴. مبارزه با مظاهر فساد؛ غارتگری رژیم پهلوی و آلودگی جامعه به دلیل گسترش مراکز ترویج فساد و قمار، شرب خمر و... از مظاهر فساد در جامعه بود که با ظهور انقلاب اسلامی به آن‌ها پایان داد. همچنین، انقلاب اسلامی ضعف‌های فرهنگ غربی را برملا و این نکته را اثبات کرد که مادی‌گرایی و زندگی مصرفی، جامعه را به فساد و لذت پرستی می‌کشاند.

۵. تحول در محتوای کتب و متون درسی؛ کتب دوره پهلوی بر دین ستیزی، تبلیغ نظام‌سرمایه داری - کمونیستی و تعالیم مکتب‌ها و فرقه‌های ضاله مبتنی بود و در آن‌ها کمتر نشانی از آثار دینی و قرآنی یا نویسندگان متعهد یافته می‌شد. بعد از انقلاب، علاوه بر تربیت نویسندگان متعهد انقلابی، محتوای کتب و متون درسی و دانشگاهی با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و انقلابی تدوین گردید. البته در این زمینه هنوز کاستی‌هایی وجود دارد که باید رفع شود.

۶. تحول در حوزه نشر کتب؛ در زمان حکومت پهلوی، چاپ و نشر کتاب‌هایی که تصاویر و محتوای مستهجن و ضد اخلاقی داشتند، معمول بود و حتی از آن حمایت می‌شد. بعد از انقلاب اسلامی، علاوه بر تطبیق محتوای کتب با آموزه‌های متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی، افزایش شمارگان این کتاب‌ها نیز در دستور کار قرار گرفت؛ در این زمینه می‌توان به برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و دیگر نمایشگاه‌های کتاب داخلی و خارجی اشاره کرد.

۷. تحول در محتوای مجلات؛ قبل از انقلاب، شماری از مجلات و نشریه‌ها صرفاً به چاپ تصاویر مستهجن اختصاص داده شده بود که موجب ترویج بی‌بندوباری و فساد در میان جوانان می‌گردید. با پیروزی انقلاب دیگر خبری از این مجلات و نشریه‌ها نیست. علاوه بر آن، هم‌گروه‌ها و گرایش‌های سیاسی و فرهنگی متعارف دارای رسانه‌اند.

۸. تحول در محتوای برنامه‌های صداوسیما؛ صداوسیما در زمان پهلوی با پخش برنامه‌ها و فیلم‌های مستهجن به ابزاری برای گسترش بی‌بندوباری و ضد ارزش‌ها تبدیل شده بود و افرادی از قبیل خواننده‌ها، رقاصه‌ها و هنرپیشه‌های بی‌فرهنگ و بی‌حجاب را باهدف حیا زدایی از جامعه، به منزله الگو، به نسل جوان ارائه می‌کرد. با ظهور انقلاب اسلامی، الگویی برای رسانه ترسیم شد که هدف آن، تزکیه و تعلیم، رشد فضایل اخلاقی و شتاب‌بخشیدن به حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در سراسر جهان است.

۹. گفت‌وگو وحدت؛ همگرایی و وحدت تمام ادیان و اقوام ایرانی - چه در زمان مبارزه با استبداد، چه در زمان تثبیت نظام جمهوری اسلامی و چه در زمان گسترش آن در قالب تمدن نوین اسلامی - ضرورتی انکارناپذیر بوده است که امام خمینی (ره) آن را «بهترین ثمرات نهضت» می‌دانست (صحیفه امام، ج ۶: ص ۱۸۸).

۱۰. هویت یابی اسلامی-ایرانی؛ ملت ایران در گذشته تاریخی خود، هویتی غالب و غنی داشت که پادشاهان نالایق و بی‌کفایت آن را به تاراج برده بودند. انقلاب اسلامی، ضمن احیای هویت اسلامی-ایرانی، خودآگاهی و

هویت‌یابی مردم ایران را در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی تقویت کرد تا بتوانند پرچم بازگشت به خویشتن را بلندتر از همیشه به اهتزاز درآورند.

۱۱. گسترش فرهنگ عاشورایی؛ فرهنگ حسینی پیش از انقلاب نیز در دل مردم جای داشت و رژیم پهلوی در قالب های مختلف با آن مبارزه می کرد، اما انقلاب اسلامی، فرهنگ عزت، حریت و ظلم ستیزی را در جهان گسترش داد.

۳. دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی نسبت به زمان شاه چگونه ارزیابی می شود؟

برای تبیین پیشرفت‌های سیاسی نظام مقدس جمهوری اسلامی به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. سرنگونی نظام نامشروع و استبدادی شاهنشاهی که سایه سلطه خویش را ۲۵۰۰ سال بر سر ملت ایران گسترده بود؛ از راهگشایترین دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود؛ چراکه تغییرات و تحولات دیگر به برکت آن رقم خورده و در واقع، رژیم شاهنشاهی بزرگ‌ترین مانع در برابر هرگونه تحول بود و به دلیل ذات استبدادی، هیچ اصلاحی در آن تأثیرگذار نبود؛ چنان‌که در جریان نهضت مشروطه، تلاش برای اصلاح نظام استبدادی شاهنشاهی، از طریق تبدیل آن به نظام مشروطه، باروی کار آمدن رضاشاه و پس از وی، محمدرضا پهلوی و بسط استبداد در قبال موجه‌تری به نام مشروطه سلطنتی به شکست انجامید. در آن مقطع زمانی حتی علمای نامداری چون میرزای نائینی سعی کردند، با توجه به عدم امکان برقراری حکومت اسلامی به زعامت رهبر دینی، از نظام مشروطه سلطنتی که شر آن را کمتر از نظام سلطنتی استبدادی می‌دانستند، دفاع و برای آن نظریه‌پردازی کنند. امام خمینی (ره) با مشاهده این تجربیات، حذف شاه و نظام سلطنتی را مهم‌ترین هدف مبارزه خود قرار دادند؛ تا جایی که در سخنرانی‌های سال‌های نخستین مبارزه نیز رسماً به مخالفت با شاه پرداختند و حتی شاه‌دوستی را «غار تگری، هتک اسلام، تجاوز به حقوق مسلمین و تجاوز به مراکز علم و دانش» [۱] خواندند. بدین ترتیب، با توجه به اینکه نظام استبدادی بزرگ‌ترین مانع بر سر راه رشد و پیشرفت ملت ایران بود، هیچ‌گونه مماشاتی را با این نظام نپذیرفتند و حتی هنگامی که عوامل رژیم خواستند با ایشان ملاقات کنند، شرط ملاقات را استعفای آن‌ها از مناصب خود اعلام کردند. امام (ره)، بعد از پیروزی انقلاب، بعضی از مسئولان رژیم پهلوی (چون شهردار تهران) را پس از استعفا، مجدداً در سمت خود ابقا کردند تا نشان دهند حتی یک شخصیت هم در دو نظام شاهنشاهی و نظام مبتنی بر ولایت‌فقیه تفاوت دارد و اولویت انقلاب، کنار رفتن نظام شاهنشاهی بوده است؛ حتی اگر شماری از همان مسئولان در نظام اسلامی به قدرت برسند.

۲. استقرار نظام مردم‌سالار دینی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر ولایت‌فقیه؛ بیشتر مردم ایران پیرو مکتب شیعه هستند و یکی از اصول خدشه‌ناپذیر این مکتب، لزوم کسب مشروعیت حکومت از جانب معصوم (ع) است؛ در نتیجه، هر حکومتی که مشروعیتش به معصوم منتسب نباشد، طاغوت است. بر این اساس، با مراجعه به منابع دینی درمی‌یابیم که تنها فقها در جایگاه نواب عام امام زمان (عج) حق دارند بر مردم حکومت کنند که از آن‌ها با

عنوان «ولی فقیه» یاد می‌شود. لذا لزوم مشروعیت الهی حکومت و بحث ولایت فقیه، مهم‌ترین محور اندیشه سیاسی شیعه طی تاریخ بوده و از زمانی که نخستین کتاب‌های فقهی - استدلالی شیعه نوشته شده است (از زمان شیخ مفید)، این موضوع با تعبیر گوناگونی چون سلطان عادل، امام المسلمین و... بررسی شده است. البته به دلیل عدم امکان اعمال حاکمیت فقها در بیشتر مقاطع تاریخی، این مبحث به‌طور حاشیه‌ای و در ضمن مباحث دیگر مطرح شده است. به هر حال، امکان اعمال ولایت فقیه تا زمان انقلاب اسلامی ایران هرگز به‌طور کامل فراهم نشده بود؛ از این‌رو، امام خمینی (ره) که با کوله‌باری از تجربیات هزار و چهارصدساله تاریخ تشیع، تصمیم گرفتند پس از نابودی نظام منحنط شاهنشاهی، نظریه ولایت فقیه را عملاً در قالب یک نظام منسجم به اجرا درآورند تا اعمال بسیاری از اختیارات ولی فقیه ممکن شود. امام (ره)، با توجه به لزوم نقش‌آفرینی مردم در تحقق عینی حکومت، نظریه ولایت فقیه را در قالب ساختار نظام دینی و درعین‌حال، مردم‌سالار با عنوان «جمهوری اسلامی ایران» عملی کردند. ویژگی این ساختار این بود که علاوه بر مشروعیت الهی حکومت، مردم نیز با پذیرش خود، به آن جنبه مقبولیت عمومی بخشیدند. در نتیجه، برای نخستین بار در تاریخ تشیع و پس از دوران صدر اسلام، حکومتی مبتنی بر اندیشه سیاسی مذهب جعفری توانست به‌طور مستقیم نظامی سیاسی را پی‌ریزی کند و مردم نیز آن را با جان و دل پذیرفتند.

۳. حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی خویش؛ وقوع انقلاب اسلامی ایران، نخستین گام برای تحقق این هدف بود. در واقع، یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی این بود که در کنار رهبران و عناصر سیاسی انقلاب، مردم نیز آگاهانه خواستار انقلاب بودند؛ به همین دلیل، انقلاب با حضور پرشور و یکپارچه ملت به پیروزی رسید و پس از پیروزی نیز برای استقرار نظام جدید از مردم نظرخواهی شد و تمام ارکان نظام جدید با خواست و اراده مردم شکل گرفت. در اصل، اراده مردم برای تغییر سرنوشت سیاسی خود بر این قرار گرفت که نظام منحنط و پوسیده استبدادی را ریشه کن و نظامی جدید مبتنی بر الگوی مردم‌سالاری دینی پی‌ریزی کنند؛ نظامی که حضور و اراده مردم در ساختارها و ارکان آن کاملاً نمایان باشد و این یعنی حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی خویش. مقام معظم رهبری در این‌باره معتقد است: «در طول تاریخ ما، هیچ حادثه‌ای مثل حادثه پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن نبوده است که مردم در آن، نقش مستقیم داشته باشند. در انقلاب اسلامی مردم آمدند... با اینکه متکی به قدرت و زور هم نبودند، سلاح هم نداشتند - اگر هم داشتند، به کار نمی‌بردند - اما درعین‌حال توانستند یک رژیم تاندان مسلح متکی به قدرت‌های استکباری را به کلی از پا دریاورند و انقلاب را پیروز کنند. منتها نکته اساسی در انقلاب ما این بود که نقش مردم با پیروزی انقلاب تمام نشد... در گذشته همیشه می‌گفتند کشور صاحب دارد؛ منظورشان این بود که فلان امیر و فلان حاکم و فلان سلطان صاحب کشور است، مردم نقشی نداشتند، کاره‌ای نبودند. امروز به برکت انقلاب اسلامی، مردم می‌دانند کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور هم خود مردم‌اند.» [۲]

یکی دیگر از شواهد این دستاورد، نقش مردم در انتخاب مسئولان نظام است؛ به گونه‌ای که به گفته مقام معظم رهبری، «امروز در جمهوری اسلامی همه مقاماتی که به نحوی در کار مردم دخالت دارند، مستقیم یا غیرمستقیم منتخب خود مردم‌اند، حتی رهبری».[۳]

۴. تحقق آزادی‌های مشروع منطبق با ارزش‌ها و بنیان‌های بومی؛ پیش از انقلاب اسلامی تنها آزادی‌ای که وجود داشت، آزادی در نزدیک‌ترشان به فرهنگ غربی بود و فراتر از آن چیزی به نام آزادی، به‌ویژه از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، حتی در معنای غربی آن وجود نداشت. روزه‌های به وجود آمده برای آزادی‌های سیاسی چون مشروطه یا تحولات شهریور ۱۳۲۰ نیز بلافاصله با روی کار آمدن دیکتاتوری جدید بسته می‌شد و به‌این ترتیب، آزادی به آرزوی دست‌نیافتنی ملت ایران تبدیل شده بود؛ به همین دلیل، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، یکی از شعارهای اصلی مردم در راهپیمایی‌های پیش از پیروزی انقلاب بود؛ شعاری که آن را عصاره خواسته‌های ملت در جریان انقلاب اسلامی دانسته‌اند و عنصر آزادی‌خواهی در آن نقش برجسته‌ای دارد. بر این اساس، آزادی‌های مشروع و منطبق با ارزش‌های بومی، بی‌معنی آزادی توأم با مسئولیت در برابر خدا [۴]، یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی محسوب می‌شود و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف به «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» است [۵]. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی‌های متعددی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... به رسمیت شناخته شده است که محدوده آن‌ها را ارزش‌های بنیادی و مصالح ملی تعیین می‌کند.

۵. تغییر در سیاست خارجی کشور، استقلال در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نزدیک شدن به ملت‌های مظلوم و مستضعف؛ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران تابع سیاست‌های قدرت‌های سلطه‌گر جهان بود و رژیم شاه سیاست خارجی خود را به گونه‌ای تدوین و اجرا می‌کرد که گویی مسئولیت وی نه حفظ و تأمین منافع ملی، بلکه حفظ منافع کشورهای غربی است. شاه از تصریح به این مسئله ابایی نداشت؛ چنان‌که در موضوع مطرح شدن ایران به‌عنوان ژاندارم منطقه، صریحاً محافظت از منافع غرب را مأموریت خود خوانده و گفته است: «ارتش ما در واقع قادر بود در این ناحیه که برای غرب اهمیت استراتژیک فوق‌العاده‌ای دارد، هرگونه ناآرامی محلی را متوقف یا در نطفه خفه کند» [۶]. نتیجه چنین سیاست‌هایی این بود که علاوه بر خدشه‌دار شدن حیثیت بزرگ‌ترین کشور شیعه جهان بابت ارتباطات پیدا و پنهان با رژیم صهیونیستی و عدم استقلال در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی، ملت ایران نیز مجبور بودند هزینه‌های هنگفتی را در اثر این سیاست‌ها تحمل کنند.

۶. پیوند میان مردم و مسئولان نظام و احساس همدلی و همراهی مردم با مسئولان؛ چنین پیوند برای نخستین بار در تاریخ کشور ما برقرار شد؛ چراکه نظام‌های سلطنتی همواره خود را فراتر از مردم می‌دانستند و به همین دلیل، کلیه اعضای سلطنتی و مسئولان کشور سعی می‌کردند با پناه بردن به کاخ‌های مجلل خود هرچقدر می‌توانند از مردم فاصله بگیرند. همچنین، همین اعتقاد موجب می‌شد این تصور غلط در نظام شاهنشاهی شکل بگیرد که اساساً مردم حق دخالت در سیاست و حکومت ندارند. در مقابل، رهبران انقلاب نه تنها خود را از مردم متمایز نکردند، بلکه

همچنان همدلی و پیوستگی میان مردم و مسئولان برقرار ماند؛ به‌ویژه همدلی میان مردم و رهبران ارشد نظام که تجلی آن را می‌توان در استقبال از مسئولان عالی نظام به‌ویژه مقام معظم رهبری در سفرهای استانی، مشارکت در مراسم سالگرد بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، مشارکت میلیونی مردم در نماز جمعه‌هایی که به امامت رهبر انقلاب اقامه می‌شود و... مشاهده کرد. یکی از دلایل همدلی مردم، ساده‌زیستی رهبران نظام و تداوم ارتباط آنان با مردم است. البته به دلایل امنیتی این ارتباطات محدود است، اما آنچه اهمیت دارد اصل این ارتباط و ارادت متقابل مردم و رهبران نظام است که علی‌رغم گذشت بیش از چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان ادامه دارد.

۷. تبدیل ایران به یک کشور مهم، تأثیرگذار و تعیین‌کننده در عرصه تحولات بین‌المللی؛ این اهمیت و تأثیرگذاری نه تنها ادعای طرفداران نظام جمهوری اسلامی است، بلکه در اعترافات گفتاری و عملی قدرت‌های مهم جهان نیز مشهود است؛ برای مثال، درخواست‌های مکرر آمریکا برای مذاکره درباره حل مشکلاتی که در کشورهای چون عراق با آن مواجه شده است یا ترس از تحرکات ایران در قبال تهدیدهای آمریکا علیه کشورهای متحد ایران مانند سوریه که مانع حمله به این کشور شد و یا تلاش‌های مضاعف برای جلوگیری از اقتدار بیشتر ایران. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران در بیشتر تحولات منطقه‌ای نقش آفرین است، به گونه‌ای که هیچ اقدامی بدون در نظر گرفتن نقش ایران به نتیجه نمی‌رسد؛ چنان که دولت‌های غربی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها بارها اعلام کردند که حاضر نیستند در مسئله سوریه نقشی برای ایران قائل شوند و نخستین پیشنهاد آنان برای حل بحران سوریه، برکناری بشار اسد بود، اما با گذشت زمان، این طرح با شکست مواجه شد و غربی‌ها نهایتاً پذیرفتند که بحران سوریه با پذیرش بشار اسد در مسند قدرت حل می‌شود. در مجموع، می‌توان گفت هیچ تحول منطقه‌ای بدون در نظر گرفتن نقش ایران به نتیجه نمی‌رسد و این نشان‌دهنده تأثیر و قدرت ایران در سطح جهانی است.

۸. دفاع از آرمان فلسطین و تبدیل شدن به محور اصلی مقاومت ضد صهیونیست؛ شاه، دولت جعلی رژیم صهیونیستی را به‌طور غیررسمی (دوفاکتو) پذیرفته بود [۷]. البته در مقام عمل، این روابط حتی فراتر از روابط با کشورهای دیگری بود که آن‌ها را کاملاً به رسمیت می‌شناخت و این مسئله تا جایی پیش رفته بود که یکی از سه موضوعی که رژیم شاه در سال ۱۳۴۲، امام خمینی را از صحبت کردن درباره آن منع کرده بود، موضوع رژیم صهیونیستی بود [۸]. این مواضع رژیم در کنار اتهامات تاریخی که عناصر تفرقه‌افکن همواره علیه شیعیان مطرح می‌کردند (مانند اتهام همراهی شیعیان با یهود) باعث شده بود تصویری غلط از ایرانیان و به‌ویژه شیعیان در جهان اسلام نقش ببندد. تا اینکه موضع‌گیری‌های امام خمینی (ره) علیه این رژیم، اعلام مشی ضد صهیونیستی انقلاب اسلامی و اقداماتی که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تقابل با رژیم صهیونیستی صورت گرفت (همچون تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی و تبدیل آن به سفارت فلسطین)، خط بطلانی بر این اتهامات و تصورات غلط کشید و ایران را به محور مقاومت تبدیل کرد؛ به گونه‌ای که همان سال‌ها شمار زیادی از نیروهای انقلابی داوطلب اعزام به فلسطین بودند که به دلیل درگیر شدن بخش عظیمی از نیروهای انقلاب در توطئه تجزیه‌طلبان و تهاجم صدام به خاک کشورمان، اعزام نیرو برای آزادی قدس عملی نشد. با وجود این، دفاع از آرمان قدس همچنان یکی از

اصول مهم انقلاب اسلامی ایران باقی ماند که نشانه آن برگزاری راهپیمایی در حمایت از آرمان آزادی قدس عزیز در آخرین جمعه ماه رمضان و حمایت عملی و معنوی از گروه‌های مقاومت ضد صهیونیستی در فلسطین، لبنان و سوریه است.

افزون بر موارد یادشده، انقلاب اسلامی دستاوردهای سیاسی دیگری هم داشته است که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم: حفظ تمامیت ارضی کشور برای نخستین بار پس از دوست سال، اجرای بعضی از اصول مهم نهضت مشروطه یعنی انطباق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی با شرع مقدس اسلام از طریق تشکیل شورای نگهبان قانون اساسی، استقلال سیاسی واقعی، تبدیل شدن انقلاب اسلامی ایران به الگوی برای ملت‌های آزاده جهان وزنده شدن امید در دل ملت‌های مظلوم و مستضعف، برجسته شدن موضوع وحدت اسلامی و برداشتن گام‌های عملی برای تحقق این هدف والا و...

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفه امام، ج ۱: ص ۱۷۸.
۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰.
۳. بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۷۰/۱۱/۱۳.
۴. ر.ک: بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۵. اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۶. پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین تراییان، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۱، ص ۲۶۶، به نقل از محمدعلی زندی، ایران ژاندارم منطقه، وبگاه پژوهشکده باقرالعلوم ع.
۷. غلامرضا علی‌بابایی، تاریخ سیاست خارجی ایران، تهران: دوسا، ۱۳۷۵، ص ۱۵۵.
۸. سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲: ص ۵۰.

۴. پرداختن به مباحث و رویدادهای انقلاب و بزرگداشت ایام‌الله دهه فجر چه ضرورتی دارد؟

هر رویدادی باید متناسب با میزان تأثیرگذاری‌اش مورد توجه قرار گیرد. انقلاب اسلامی ایران نیز حرکتی اثرگذار بود که به رهبری حضرت امام خمینی و حضور مردم مسلمان و همیشه در صحنه ایران به وقوع پیوست و معادلات جهان را بر هم زد. تأثیربخشی عمیق انقلاب ایران در جهان، ما را وامی‌دارد که هر ساله آرمان‌های انقلاب را بازخوانی نماییم.

یکی از مهم‌ترین دلایل پرداختن به مباحث انقلاب و بزرگداشت ایام‌الله دهه فجر این است که ما انقلاب را نعمتی عظیم می‌دانیم و شکر هر نعمت بر دریافت‌کننده آن نعمت لازم و واجب است. هرچه نعمت بزرگ‌تر باشد شکرگزاری نیز لازم‌تر است. عظمت این انقلاب، عظمت تکلیف و وظیفه ما را در شکرگزاری روشن می‌کند.

اگرچه بهترین نوع شکرگزاری شکر عملی و پایبندی به آرمان‌های انقلاب است اما درعین حال تلاش در جهت زنده نگه داشتن یاد و خاطره انقلاب نیز نوعی شکر تلقی شده و امری ارزشمند است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛ (۱) خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید.

ما انقلاب را امانتی الهی می‌دانیم و حفظ امانت را وظیفه خویش و بزرگداشت آیین انقلاب، ما را در حفظ این امانت یاری می‌کند.

از دیگر اهداف انقلاب این بود که نه تنها به داد مستضعفان ایران برسد بلکه فضایی را برای بیداری مستضعفان جهان فراهم نماید؛ بنابراین تا زمانی که مستکبران وجود دارند و مستضعفان، زیر بار ستم قالب تهی می‌کنند یادآوری جریان انقلاب ایران نیز ضرورت دارد تا عامل انگیزه‌بخش و رهایی بخشی برای همه مستضعفان جهان باشد.

در بخشی از سخنان رهبری در رابطه با انقلاب می‌خوانیم:

دشمنان ملت ایران و هویت ملی و پیشرفت این کشور می‌خواهند ملت ایران را از این فضای مستعد بالندگی و رشد خارج کنند و بازهم استیلای بیگانگان را بر این کشور برگردانند. یادبود دهه فجر، خود مانع بزرگی در راه تحقق این هدف است. سعی می‌کنند انقلاب را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه فجر، انقلاب را به یاد مردم می‌آورد. سعی می‌کنند امام را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه فجر، تجسم اراده و عظمت امام بزرگوار ماست. (۲)

بزرگداشت ایام الله دهه فجر صرفاً برگزاری یک جشن ساده نیست بلکه این ایام هر ساله همچون بلندگویی، رهایی ملت ایران را به گوش جهانیان می‌رساند و تکرار می‌کند که رابطه سلطان و رعیت، رابطه شاهنشاه و مردم و رابطه غالب و مغلوب به اتمام رسیده و انسان‌ها همه باهم برابرند.

ضرورت بزرگداشت انقلاب ایران به این دلیل است که این واقعه، یک مقطع تعیین کننده در تاریخ است. مقام معظم رهبری تعبیر بسیار زیبایی از انقلاب دارند ایشان می‌فرمایند:

بیست و دوم بهمن، عید حقیقی برای ملت ماست. بیست و دوم بهمن، برای ملت ما در حکم عید فطری است که ملت در آن، از یک دوران روزه سخت خارج شد؛ دورانی که محرومیت از تغذیه معنوی و مادی را بر ملت ما تحمیل کرده بودند. بیست و دوم بهمن، در حکم عید قربان است؛ زیرا در آن روز و به آن مناسبت بود که ملت ما اسماعیل‌های خودش را قربانی کرد. بیست و دوم بهمن، در حکم عید غدیر است؛ زیرا در آن روز بود که

نعمت ولایت، اتمام نعمت و تکمیل نعمت الهی، برای ملت ایران صورت عملی و تحقق خارجی گرفت. (۳)
به واسطه این انقلاب، اعجازی بزرگ در تمام جهان رخ داد و آن اعجاز چیزی جز شکستن هیمنه ابرقدرت‌ها با دست‌های خالی اما قلب‌های مؤمنانه مردم نبود. سیاست‌های استعمارگرانه‌ای که میان آدم‌ها مرزبندی کرده بود و

فقیر و غنی را در دو دایره جدا قرار می‌داد به واسطه این انقلاب رسوا و تسلیم شد. بزرگداشت هر ساله این انقلاب یادآوری همین اعجاز است.

از دیگر دلایل بزرگداشت این ایام، استحکام پایه‌های این انقلاب است. وقتی جشن انقلاب هر ساله برپا می‌شود و عموم مردم در برپایی این جشن اهتمام می‌ورزند، این بدان معناست که مردم همواره از انقلابشان حمایت می‌کنند و همین حمایت‌ها پایه‌های انقلاب را مستحکم می‌کند.

یکی دیگر از اثراتی که برگزاری جشن انقلاب دارد این است که این جشن‌ها ابزاری است تا انقلاب را به آن‌ها که ندیده‌اند و به سایر مردم جهان معرفی نماید. انقلاب ما انقلابی بود که مردم از تجهیزات مادی برای مبارزه برخوردار نبودند اما با مجهز کردن خویش به قوای ایمان در برابر ظلم ایستادند و دهه فجر یادآور ایمان این مردم است.

ناکامی دشمن با حضور مردم، یادآوری حماسه‌آفرینی ملت ایران در مقابل نظام سلطه، تزریق روح امید و نشاط در فضای جامعه، افزایش بصیرت و معرفت، تقویت غرور ملی و دینی، ایجاد وحدت، همبستگی و همدلی، تبیین ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی در عرصه داخلی و جهانی و نشان دادن غیرت ملی از دیگر فوایدی است که بزرگداشت ایام‌الله دهه فجر به دنبال دارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره نساء، آیه ۵۸

۲. سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۳ بر گرفته از سایت رهبری

۳. سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۴ بر گرفته از سایت رهبری

۵. انقلاب چه نفعی به حال مردم و جامعه داشت؟ آیا به واسطه انقلاب چیزی جز فقر و سختی و گرفتاری عاید مردم شد؟

یکی از نکات مهمی که در این نوع پرسش‌ها به خوبی مشهود است، عدم تسلط بر تاریخ و ضعف تاریخ‌خوانی و تاریخ‌دانی مردم ماست. میزان آگاهی و وقوف بر اوضاع قبل از انقلاب و مقایسه‌اش با بعد از انقلاب می‌تواند در پاسخگویی صحیح به این نوع سؤالات دخیل باشد.

متأسفانه برخی از جوانان بر اثر تبلیغات سوء دشمن از یک سو و گرفتاری‌های متعدد اقتصادی از سوی دیگر، نتیجه انقلاب را نتیجه‌ای مثبت نمی‌دانند.

اگر بخواهیم به فواید و منافع یک اتفاق و یا رخداد پی ببریم، بر ما لازم است که نگاهی همه‌جانبه به آن موضوع داشته باشیم؛ چرا که دیدگاه‌های تک‌بعدی توان تجزیه و تحلیل دقیق و عمیق را ندارند.

برخی از افراد به محض روبرو شدن با موضوع فواید انقلاب، چشمشان را به سفره مردم می‌اندازند و آن هنگام که سفره را خالی می‌بینند، انقلاب را بی‌فایده تلقی می‌کنند. در صورتی که انقلاب صرفاً جریانی برای پر کردن سفره‌ها نبوده است؛ بلکه امری عظیم و تحولی بی‌بدیل بوده تا جهان را به تغییر وادارد.

شکستن ابهت پوشالی استعمارگران، مبارزه با بت‌های تخیلی ستمگران، تاباندن نور امید بر دل مستضعفان جهان، ارائه الگوی یک مبارزه مردمی به همه جهان، حذف مرزهای جغرافیایی و اعتباری میان مسلمانان، وحدت و بیداری اسلامی در سایر کشورها، ایجاد باور توانمندی و ایستادگی در برابر ظلم، جهانی سازی دفاع از مظلوم و در یک کلام صدور اهداف انقلاب به تمام جهان را می‌توان از مهم‌ترین فواید انقلاب در حوزه جهانی دانست. در حوزه فردی و خانوادگی و اجتماعی نیز شاهد تغییر و تحولات گوناگونی بوده‌ایم که اگر به درستی قدر آن راندانیم متضرر خواهیم بود. به‌عنوان مثال تا قبل از انقلاب مردم و ملت ما اگر چه شجاع بودند اما توان بروز شجاعت خویش را نداشتند و تحول در این امر از خصوصیات بارز این انقلاب است. نَفَس‌ها در سینه حبس بود و صداها در گلو مانده و اگر چه مردم، شاهد ظلم و بی‌عدالتی بودند اما جرئت فریاد نداشتند؛ انقلاب به مردم ما قدرت فریاد زدن داد تا بتوانند در اجتماع خویش فریاد برآورند و ظلم را رسوا کنند.

آنچه از روحیه شهادت‌طلبی و جهادگری میان مردم خویش سراغ داریم و آنچه از ایثار و نوع‌دوستی در زیست مردم این جامعه شاهد هستیم، ثمره تحولی بود که انقلاب اسلامی ایران در دل‌ها ایجاد کرد. مردم به دلیل داشتن هدفی مشترک و الهی مصائب را تحمل کردند و این‌گونه روحیه مهربانی را از انقلاب به ارث بردند.

ما بر این باوریم که دست‌های زیادی بر سر سفره مردم دراز است و دشمنان داخلی و خارجی تمام همت خویش را بر این امر گمارده‌اند تا مردم را از انقلاب مأیوس نمایند؛ اما در عین حال نمی‌توانیم به همین راحتی چشم بر روی اثرات انقلاب ببندیم. ملتی که قبل از انقلاب توان اظهار وجود نداشت و مردمی که حق دخالت در سیاست را نداشتند بعد از انقلاب از بینش سیاسی برخوردار می‌شوند، به راحتی در امور سیاسی دست به انتخاب می‌زنند و این‌گونه مردم ما به مردمی همیشه در صحنه تبدیل می‌گردند.

تاریخ، شهادت می‌دهد که چگونه جای‌جای این مملکت با حضور مستشاران خارجی اداره می‌شد و مردم در این مملکت هیچ کاره بودند؛ اما انقلاب پای مستشاران بیگانه را از این مرزوبوم قطع کرد.

تدوین قانون اساسی، شکل‌گیری نهادهای اسلامی و مردمی، روی کار آمدن مسئولانی مردمی، شکستن تابوی دخالت روحانی در سیاست، زمینه‌سازی برای قیام حضرت مهدی (عج)، فراهم شدن زمینه برای حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی اجتماعی، تشکیل نهضت سوادآموزی و مبارزه با بی‌سوادی، سازندگی به‌ویژه در مناطق محروم و همچنین استقلال نظامی از دیگر فواید این انقلاب است که مردم ما کمتر به آن توجه می‌کنند.

۶. چه آسیب‌ها و آفاتی قطار انقلاب اسلامی را از ریل خارج می‌کند؟

تصور برخی از افراد از انقلاب این است که مردم مؤمن و مسلمان در یک برهه‌ای از تاریخ به رهبری حضرت امام خمینی انقلاب کردند و حالا فقط باید از ثمرات این انقلاب بهره ببرند؛ این در حالی است که انقلاب اسلامی ما علی‌رغم دستاوردهای فراوان، همواره و هرلحظه با آسیب‌ها و آفاتی جدی در ابعاد گوناگون روبروست که اگر بی‌دقتی نمایم این آسیب‌ها می‌تواند قطار انقلاب را از ریل خارج نموده و دستاوردها را به باد دهد. بنابراین در وهله اول نگاه ما به انقلاب همچون نگاه به یک موجود زنده است که رسیدگی به آن در سلامتش مؤثر است و بی‌توجهی به آن منجر به بیماری‌اش می‌گردد.

آفات و آسیب‌هایی که انقلاب ایران را تهدید می‌کند می‌تواند داخلی و خارجی باشد؛ یعنی برخی از این آسیب‌ها را دشمنان بیرونی ما که زخم‌خورده این انقلاب‌اند بر ما تحمیل می‌کنند و برخی دیگر از مشکلات را خود ما با دستان خود برای این انقلاب رقم می‌زنیم.

یکی از تهدیداتی که در این سال‌های اخیر در رابطه با انقلاب مطرح شده تهدیدات نظامی است. دشمنان خارجی با اعلام اینکه گزینه‌های نظامی‌شان همیشه بر روی میز است قصد دارند به انقلاب ایران ضربه بزنند؛ اما مجهز شدن به تجهیزات نظامی و حفظ آمادگی و قدرت لازم برای مقابله با دشمن از مهم‌ترین ابزارهایی است که سربازان جان‌برکف اسلام آن را به‌خوبی دنبال می‌کنند تا مبادا دشمن از طریق مسیرهای نظامی قطار انقلاب را از ریل خارج کند.

از دیگر ابزارهایی که به‌عنوان آسیب از ناحیه دشمنان خارجی، انقلاب را تهدید می‌کند فشارهای اقتصادی است که در این سال‌ها تحت عنوان تحریم اقتصادی بر کشور ما تحمیل شده است. دشمن با ایجاد فشار اقتصادی به دنبال ناراضی کردن مردم است تا از این طریق مردم را نسبت به انقلاب بدبین سازد. راه برون‌رفت از این آفت نیز در دستان مردم و مسئولین است. مردم با روحیه قناعت و صبر باید بر این مشکلات فائق آیند و مسئولین نیز از طریق برنامه‌ریزی و فراهم کردن شرایط، مسیر خودکفایی اقتصادی را هموار سازند. عنوان مقاومت اقتصادی که رهبر انقلاب بر آن تأکید دارند راهکاری در برابر این آسیب اقتصادی است که انقلاب را تهدید می‌کند.

آنچه مهم‌تر از آفات نظامی و اقتصادی است، آسیب‌های اخلاقی هست که می‌تواند میوه انقلاب را از درون پوسیده کند. دشمن از طریق ترویج بی‌اخلاقی و اشاعه فحشاء و رواج بی‌حیایی در جامعه، به سست کردن ایمان و اعتقاد جوانان می‌اندیشد چراکه می‌داند آنچه انقلاب را سرپا نگه‌داشته، ایمان محکم و قوی مردم است. ترویج فساد در جامعه، مردم را با فساد و گناه مأنوس می‌کند و هر آنچه این انس را برهم زند، مانع محسوب می‌گردد؛ این طرز تفکری است که دشمن در حال پیاده کردن آن است تا انقلاب را به‌عنوان مانعی بزرگ در مسیر لذات مادی معرفی کند و این‌گونه ضربه‌اش را بر پیکره این نظام وارد نماید. توجه به ارزش‌های اسلامی و احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند راهکار مناسبی در برابر این آفت باشد.

از دیگر آسیب‌هایی که می‌تواند به انقلاب ضربه بزند تخریب باورهاست. نگرش انسان به خدا، خود، جهان و جامعه وقتی بر مبنای الهی باشد تکالیفی را بر عهده انسان می‌گذارد و همین تکلیف‌مداری منجر می‌شود تا مردم خود را در برابر این انقلاب موظف و مکلف بدانند؛ اما تغییر این دیدگاه و تخریب باورها و ارزش‌های دینی، رنگ تکلیف‌گرایی را کم‌رنگ می‌کند و مردم را نسبت به انقلاب بی‌تفاوت می‌سازد.

ترویج تفکر جدایی‌دین از سیاست، انکار ولایت‌فقیه، تساهل و تسامح در آموزه‌ها و احکام اسلامی، کشاندن مردم به سمت سستی و رخوت و همچنین اختلاف و دشمنی میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه از دیگر آفات است که می‌تواند قطار انقلاب را از ریل اصلی آن خارج سازد.

۷. مهم‌ترین راهکارهای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی چیست؟

۱. تثبیت عقیده

آنچه منجر به انقلاب شده و تاکنون انقلاب را سرپا نگه‌داشته است، عقیده دینی مردم و باورهای اعتقادی آنهاست. اگر باور به پیروزی حق بر باطل در قلب مؤمنین نبود هرگز شاهد این حجم از گذشت و ایثار و جان‌فشانی نبودیم؛ بنابراین تقویت ایمان جوانان و تحکیم باورهای الهی و مبانی اعتقادی آنان می‌تواند در تداوم و حفظ انقلاب مؤثر باشد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ (۱) و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید چراکه شما برترید.

این تأثیر ایمان است که اضطراب‌ها را در آرامشی درونی هضم می‌کند.

۲. تربیت دینی

نسل گذشته در ایجاد انقلاب مؤثر بودند و نسل کنونی در کنار نسل آینده موظف به حفظ این انقلاب‌اند؛ بنابراین ضرورت تربیت صحیح دینی و توجه به آموزش و تعلیم دینی فرزندان این مرزوبوم برای تداوم انقلاب به‌خوبی احساس می‌شود.

حضرت امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

«ما نباید قناعت به این بکنیم که در عصر خودمان جمهوری اسلامی محقق شده است، ما برای عصرهای بعد باید حالا فکر بکنیم، یعنی ما همان‌طوری که خودمان مقاصدی داریم و روی آن مقاصد این نهضت را کردیم، اعقاب ما هم همان مقاصد را دارند و آنها هم احتیاج دارند به اینکه اجتماع داشته باشند، بینش داشته باشند که بتوانند این چیزی را که شماها به دست آوردید آنها نگهداری کنند و آن قضیه تربیت و تعلیم است که تربیت و تعلیم باید طوری باشد که مسیر همین نهضت باشد و دنبال همین مسائلی که درست کردید باشد.» (۲)

۳. حفظ وحدت

یکی از اموری که می‌تواند انقلاب را از اهدافش جدا نماید وجود اختلاف میان مردم است. حفظ وحدت و دست در دست هم دادن برای رفع مشکلات فارغ از سلايق و علايق می‌تواند به حفظ انقلاب کمک کند.

امیر المومنین در این باره می‌فرماید:

إِيَّاكُمْ وَالتَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ (۳)

از چندرنگی و اختلاف در دین خدا پرهیزید، زیرا یکپارچگی در آنچه حق است ولی شما آن را ناخوش می‌دارید، از پراکندگی در آنچه باطل است اما خوشایند شما هست، بهتر است. خدای سبحان به هیچ‌یک از گذشتگان و باقی‌ماندگان بر اثر تفرقه و جدایی خیر و خوبی عطا نکرده است.

۴. تهذیب و تعهد

از دیگر اموری که می‌تواند در تداوم بخشی انقلاب مؤثر باشد تهذیب و تعهد است. هرچقدر انسان در امر تهذیب و مبارزه با هواهای نفسانی کوشاتر باشد به همان نسبت توان تعهدش در امور افزون می‌گردد. در تهذیب، انسان یاد می‌گیرد تا با دشمن درونی مبارزه کند و این مسئله او را متعهد می‌سازد تا در مبارزه در برابر دشمنان بیرونی کوتاهی نکند. متعهد بودن نیز مدافع بودن را رقم می‌زند. افرادی که متعهدند برای اسلام نیز مدافعان خوبی محسوب می‌شوند.

۵. شایسته‌سالاری

شایسته‌سالاری بدین معنا که افراد متناسب با میزان توان و استعداد و قابلیت‌های خود، به کار گماشته شوند و نه بر اساس امور اعتباری. افرادی که شایستگی حقیقی برای مقام و منصب‌های اجتماعی دارند همواره به‌نظام ارزشی پایبندند و با درخطر افتادن جایگاه خویش حاضر نیستند دست از بیگانه‌ستیزی بردارند. لازمه‌ی حفظ انقلاب به کارگیری این گونه افراد است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۳۹.

۲. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۶۲.

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۸. تفاوت گام دوم انقلاب نسبت به گام اول انقلاب در چیست؟

رهبر معظم انقلاب بیانیه‌ای را با عنوان گام دوم انقلاب ارائه فرمودند و از این طریق، پدران و دلسوزانه به بصیرت‌افزایی مردم و مسئولین مبادرت ورزیدند. منظور از گام دوم انقلاب این است که انقلاب اسلامی ایران بعد از فراز و نشیب‌های بسیار، حالا وارد دوره و عرصه جدیدی شده است؛ اگرچه اهداف متعالی در گام دوم انقلاب همسو با همان اهداف در گام اول است اما این دو فضا تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند از جمله:

در گام اول انقلاب هنگامی که مردم به رهبری حضرت امام خمینی دست به انقلاب می‌زنند کشور ایران کشوری وابسته و گرفتار در چنگال مستکبران است. سفره طویلی برای بیگانگان پهن شده و همگی بر سر آن سفره مهمان‌اند بدون اینکه ارزشی برای میزبان قائل باشند اما اکنون که ملت موظف به برداشتن گام دوم انقلاب‌اند با کشوری مواجه‌اند که از استقلال کامل برخوردار است تا جایی که دوست و دشمن به عزت و اقتدارش اعتراف می‌کنند. بسیار شنیده‌ایم که می‌گویند سخت‌ترین قسمت هر کار، شروع آن کار است؛ بنابراین می‌توان گفت گام اول انقلاب به دلیل عدم پیش‌زمینه‌های لازم و همچنین فضای مستبدانه حاکم بر کشور بسیار دشوارتر از گام دوم انقلاب بود. البته این حرف بدان معنا نیست که در گام دوم سستی و سهل‌انگاری جایی داشته باشد بلکه منظور این است که حالا شرایط حاکم بر جامعه برای انجام فعالیت‌های مبتنی بر دین فراهم است و همه باید از این فرصت استفاده بهینه ببرند.

یکی دیگر از تفاوت‌های گام اول انقلاب با گام دوم این است که در گام اول انقلاب ما برای الگوگیری، الگو و نمونه عینی از سایر کشورها نداشتیم اما در گام دوم انقلاب کشور ما خودش ارائه‌دهنده الگوی کامل و جامع اسلامی به سایر کشورهاست.

در گام اول انقلاب تمام توان مردم برای این امر بکار گرفته شد که از نفوذ استعمار در داخل کشور جلوگیری به عمل آید؛ اما در گام دوم انقلاب این مبارزه گسترده‌تر شد و حالا کشور ما به دنبال حذف نفوذ استعمار از منطقه و جهان است و نه فقط ایران.

باورمندی از دیگر تفاوت‌های گام اول و دوم انقلاب است. در گام اول مردم به واسطه رهبری حضرت امام، باور و اعتقاد قلبی داشتند که می‌توانند مقابل رژیم شاهنشاهی بایستند اما برای اثبات باورمندی خود نمونه عینی و دم‌دستی نداشتند؛ مثلاً اگر می‌خواستند مثالی از تأثیر ایمان و پیروزی حق بر باطل بیآورند مجبور بودند از نمونه‌های تاریخی دور استفاده کنند؛ اما در گام دوم انقلاب این باورمندی از استحکام بیشتری برخوردار است چرا که خود انقلاب و گام اول نمونه عینی و مثالی روشن برای این باورمندی است.

از دیگر تفاوت‌های گام اول انقلاب با گام دوم این است که قبل از انقلاب ورود روحانیت به عرصه سیاست برای مردم توجیه منطقی و عقلانی نداشت؛ یعنی در آن زمان هیچ مرجعی به‌طور جدی پا به عرصه سیاست نگذاشته بود و اگر تحرکاتی نیز در رابطه با ورود روحانیت به سیاست انجام می‌گرفت خود مردم با برچسب و انگ سیاسی زدن سعی در مطرود کردن آن اشخاص داشتند؛ اما با حضور حضرت امام و ورود ایشان به سیاست و تأکید بر تفکر عدم جدایی دین از سیاست، مردم به‌ضرورت حضور روحانیت در امر سیاست پی بردند. البته در گام اول انقلاب این موضوع برای مردم تازگی داشت ولی حالا بعد از گذشت چهل سال از انقلاب، تفکر عدم جدایی دین از سیاست به‌طور کامل و جامع برای مردم تبیین شده و پذیرش عقلانی آن سهل‌تر گشته است.

از دیگر تفاوت‌های این دو گام این است که در گذشته مردم حرف رهبر جامعه را فصل الخطاب می‌دانستند و حتی اگر دلیلی برای آن نمی‌یافتند همین که می‌گفتند این حرف، حرف امام است مردم می‌پذیرفتند. در واقع بعد

پذیرش مردم و تسلیم در برابر رهبری پررنگ بود؛ اما در گام دوم انقلاب جوانان امروز هیچ امری را بدون دلیل نمی‌پذیرند و برای هر مسئله‌ای توجیه منطقی و عقلانی طلب می‌کنند بنابراین تقویت مبانی اعتقادی جوانان و تعلیم و تربیت آن‌ها بر مبنای اصول اعتقادی و همچنین تبیین اهداف و آرمان‌های انقلاب برای آن‌ها از ضروریات جامعه امروز است.

۹. انقلاب ایران و استمرار آنچه نقشی در تمدن‌سازی نوین اسلامی ایفا می‌نماید؟

یکی از مهم‌ترین اهداف در تمدن‌سازی نوین اسلامی، برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی است که انقلاب ایران پیش‌زمینه لازم برای رسیدن به این هدف بود. وحدت‌گرایی و ایجاد وحدت بین تمام مسلمانان جهان اعم از شیعه و سنی از دیگر اهدافی است که در تمدن‌سازی نوین اسلامی مدنظر قرار می‌گیرد و انقلاب اسلامی با تکیه بر وحدت به این هدف جامه عمل پوشانید. خداوند در قرآن می‌فرماید:

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (۱)

این شریعت شماست، شریعتی یگانه؛ و من پروردگار شمایم، مرا پرستید.

رسیدن به این وحدت را انقلاب اسلامی به ما آموخت و ما را برای رسیدن به وحدت نهایی برای جامعه جهانی آماده ساخت.

می‌توان چنین گفت که انقلاب اسلامی نقش محرک را برای ایجاد تمدن اسلامی بر عهده داشت. در واقع جرعه تمدن نوین اسلامی به واسطه انقلاب زده شد اما برای پیمودن این مسیر و رسیدن به مقصد همچنان نیازمند تلاشیم. تمدن نوین اسلامی یا همان تشکیل امت واحده اسلامی را می‌توان ثمره انقلاب دانست. در واقع انقلاب اسلامی ایران قدم اول برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. به واسطه انقلاب، قانون اساسی کشور بر مبنای محتوای دینی نگاشته شده و به این ترتیب آموزه‌های دین در جامعه به شکل قانون درآمد و حرکت جامعه بر مبنای قوانین دینی، زمینه‌ساز رسیدن به تمدن اسلامی است.

آرمان نهایی تمدن نوین اسلامی تشکیل جامعه‌ای است با ویژگی‌ها و مختصات الهی و اسلامی و انقلاب ایران به ما در رسیدن به این آرمان کمک شایانی کرد چراکه به واسطه این انقلاب حکومت اسلامی در کشور ما برقرار شد. علاوه بر این از مهم‌ترین شرایط برای ایجاد تمدن نوین اسلامی تسری دادن ویژگی‌های حکومت اسلامی به سایر حکومت‌هاست و انقلاب ایران با رهبری حضرت امام الگوی مناسبی برای این امر بود. نقش الگوسازی انقلاب اسلامی در شکل‌گیری قیام‌های مردمی در سایر کشورها خود شاهدی بر این مدعا است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«امروز شما چه بخواهید، چه نخواهید، چه خودتان بدانید، چه ندانید، چه تصدیق بکنید یا نکنید، برای بسیاری از ملت‌ها الگو و اسوه شده‌اید. این بیداری اسلامی که مشاهده می‌کنید، چه بگوییم، چه نگوئیم، چه به رو بیاوریم،

چه نیاوریم، چه دیگران به رو بیاورند، چه نیاورند، اثر گرفته از حرکت عظیم ملت ایران است. این انقلاب عظیم، این انقلاب بزرگ، این تحول بنیان‌گذار سنت‌های طاغوتی و نظام طاغوتی و نظام سلطه، ملت ایران را به یک اسوه تبدیل کرد» (۲).

از دیگر لوازم ضروری برای ایجاد تمدن نوین اسلامی احیای مظاهر اسلامی و ارزش‌های الهی در جامعه است. قبل از انقلاب بسیاری از مظاهر دینی به سخره گرفته می‌شد و مورد توجه قرار نمی‌گرفت. آموزه‌های دینی محدود به برخی از امور عبادی شده بود و دستورات اجتماعی دین به حاشیه رفته بود اما انقلاب، آموزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی دین را در متن زندگی مردم وارد کرد و این‌گونه به احیای ارزش‌های الهی مبادرت ورزید. بازتولید مفاهیمی همچون اخلاص، ایثار، شهادت، توسل، توکل، غیرت، ولایت‌پذیری، تبعیت از ولایت‌فقیه و احساس مسئولیت به واسطه انقلاب رونق گرفت و این ارزش‌ها از مهم‌ترین ارزش‌هایی است که در ایجاد تمدن نوین اسلامی حرف اول را می‌زند.

رهبری در کلامی دیگر در رابطه با آرمان‌های انقلاب می‌فرماید:

«انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است» (۳).

مردم‌سالاری دینی، ابناء تمدن بر معنویت، کرامت انسان و آمیختگی دین و زندگی از دیگر بایسته‌های تمدن نوین اسلامی است که انقلاب و استمرار آن در زنده نگاه‌داشتن این امور بسیار مؤثرند.
پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره انبیاء، آیه ۹۲

۲. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از شعرا، ۹۰/۵/۲۴

۳. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۱۰. آیا عیار معنویت و اخلاق بعد از انقلاب اسلامی ایران رشد کرد یا تنزل نمود؟

یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران این بود که سطح دین‌داری مردم را افزایش دهد؛ بنابراین معنویت‌گرایی و ترویج مصادیق معنوی در اجتماع از جمله تفاوت‌های ایران قبل و بعد از انقلاب است؛ چراکه حکومت پهلوی به دنبال ترویج فرهنگ غربی بود و حکومت اسلامی درصدد پیاده کردن معنویت در جامعه. از جمله اموری که می‌تواند در میزان معنویت‌گرایی مردم مؤثر باشد برپایی مراسمات و مجالس مذهبی است چیزی که بعد از انقلاب به‌عنوان امری ارزشی تلقی می‌شود و مردم به‌راحتی می‌توانند با برگزاری مراسمات، مراتب

ارادتشان را به حضرات معصومین علیهم السلام نشان دهند؛ اما این امر در زمان پهلوی و قبل از انقلاب آزادانه انجام نمی گرفت و مراسمات مخصوصاً اگر بوی سیاسی به خود می گرفت ممنوع اعلام می شد.

قبل از انقلاب حکومت پهلوی به اشاعه فحشاء و ابتذال مبادرت می ورزید و با ایجاد مشروب فروشی ها و قمارخانه ها و کاباره ها روح معنویت گرای جوانان را نشانه می رفت؛ این در حالی است که بعد از انقلاب تمام تلاش بر این است که بستر معنویت در اجتماع برای مردم گسترده شود و مردم آزادانه به انجام امور دینی بپردازند. مقایسه برنامه های سینما و تلویزیون و همچنین محتوای تعلیم در آموزش و پرورش نیز به خوبی نشان می دهد که اشاعه معنویت قبل و بعد از انقلاب در چه سطحی بوده است. بعد از انقلاب تمام تلاش مسئولین این بود که برنامه های صداوسیما حول محور اخلاق و معنویت بچرخد.

امام خمینی در این مورد می فرماید:

«این آدم [محمد رضا شاه] به واسطه نوکری که داشته، مراکز فحشاء درست کرده. تلویزیونش مرکز فحشاست، رادیو اش - بسیاری اش - فحشاست... سینمای ما مرکز فحشاست. ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشاء مخالفیم. ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشاء مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم. ما کی مخالفت کردیم با تجدد؟ با مراتب تجدد؟» (۱)

آنچه می تواند معنویت را بارور سازد، اعتقاد است. جوانان بعد از انقلاب از حیث خدا گرایی و خداشناسی در سطح بالاتری قرار گرفتند چرا که شاید تا قبل از آن برخی از جوانان صرفاً بر مبنای تقلید و پیروی از پدران خویش اعتقادی را برمی گزیدند؛ اما فضای آزاد بعد از انقلاب فرصت انتخاب صحیح و تحقیق و سؤال و پژوهش نسبت به اصول دین داری را فراهم آورد و جوانان با شناخت عمیق دست به انتخاب می زنند و اعتقاد خویش را برمی گزینند.

به نظر می رسد جامع ترین پاسخ برای این پرسش کلام مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب است. ایشان در این زمینه می فرماید:

«انقلاب عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه ای چشم گیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد... هر چند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی بندوباری در طول دوران پهلوی ها به آن ضربه های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل های مستعد و نورانی به ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت های جوانان در میدان های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه دینی از عزیزان خود که به جبهه های گوناگون جهاد می شتافتند دل کنند و سپس،

آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است؛ و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.» (۲)

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفه امام خمینی، جلد ۶، ص ۱۵

۲. بیانیه گام دوم انقلاب

بخش کلام و عقاید

۱. آیا تشکیل حکومت قبل از ظهور امام زمان ممنوع است؟

نکته‌ی اول: لزوم تشکیل حکومت اسلامی امری مهم و آشکار است زیرا که بخش عظیمی از قوانین اسلامی، برنامه‌هایی سیاسی اجتماعی است که جز در سایه یک تشکیلات و حکومت قابل اجرا نیست و چون این احکام دائمی است و به هیچ وجه اختصاصی به زمان حضور امام معصوم (ع) ندارد، در زمان غیبت هم لازم‌الاجرا است بنابراین هرگاه تشکیل حکومت امکان داشته باشد به عنوان مقدمه اجرای احکام الهی، واجب است به آن اقدام گردد؛ و بدیهی است اجرای حکومت اسلامی نیازمند مدیری تواناست که علاوه بر صلاحیت‌های لازم در حوزه مدیریتی، از تخصص لازم در آشنایی با احکام اسلامی برخوردار باشد تا امور جامعه و روابط و مناسبات آن را در چارچوب احکام الهی منطبق و اداره نماید.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَأَبَدٌ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» «مردم ناچار هستند که حاکم داشته باشند؛ چه حاکم نیکو و چه حاکم ظالم» (۱).

با در نظر گرفتن این کلام نورانی، داشتن حکومت از ضروریات عقلی و نقلی است و نتیجه‌ای که گرفته می‌شود این است که نهی روایات تشکیل حکومت قبل از ظهور ناظر به برخی از حکومت‌هاست و نه تشکیل هرگونه حکومتی.

نکته‌ی دوم: آنچه در روایات به عنوان نهی از قیام پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام مطرح شده است، تنها قیام‌هایی را مردود می‌شمارد که رهبر آن مدعی مهدویت باشد و به عنوان قائم آل محمد صلی الله علیه و اله، قیام کند یا هدف غیر الهی داشته باشد یا بدون تهیه مقدمات و اسباب لازم و قبل از فرارسیدن زمان مناسب اقدام شود؛ اما گر رهبر قیام نه به عنوان مهدویت و نه به منظور تأسیس حکومتی در برابر حاکمیت الله، بلکه به منظور دفاع از اسلام و قرآن و مبارزه با ظلم و استکبار و به قصد تأسیس حکومت اسلامی و اجرای کامل قوانین آسمانی قیام کرد و مقدمات نهضت را نیز پیش‌بینی نمود و مردم را به یاری طلبد، روایات مذکور چنین نهضت و انقلابی را مردود نمی‌شمارد و پرچم چنین نهضتی را پرچم طاغوت نمی‌شمارد. تأسیس چنین حکومتی به منظور حاکمیت الله و در مسیر حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) و زمینه‌ساز آن هست.

نکته‌ی سوم: این احادیث (مخالف قیام) در شرایطی صادر شده است که عده‌ای از علویان و یا حتی از عباسیان، برای مقابله با حکومت اموی و با استفاده از جهل مردم، خود را به عنوان مهدی موعود که پیامبر (ص) وعده ظهور او را بشارت داده بود، قلمداد می‌کردند و از مردم برای خود به عنوان مهدی منتظر بیعت می‌گرفتند. در چنین اوضاعی ائمه (ع) با موضع‌گیری بجا جلوی سوءاستفاده آنان را گرفتند. شاهد این قضیه این است که «مهدی عباسی» که یکی از خلفای ظالم عباسی است به همین جهت لقب مهدی به خود داده و از مردم بیعت گرفت.

نکته‌ی چهارم: انقلاب اسلامی ایران نیز به رهبری فقیهی جامع شرایط و آگاه به شرایط زمان و مکان شکل گرفته است. رهبری که انگیزه الهی او و اخلاص او مورد اعتراف دوست و دشمن بود. همگان می‌دانستند که او جز برای اهداف الهی و اسلامی و اجرای قوانین الهی قیام نکرده و در راه نهضت نیز بر همه قوانین خدایی پایبند است. او در این مسیر پیوسته مورد تائید عالمان دینی و متفکران اسلامی شیعه و سنی بود و حتی علمایی که معتقد به تلاش برای تأسیس حکومت اسلامی نبودند نیز پس از تشکیل حکومت اسلامی تائید و حمایت از حکومت اسلامی را لازم می‌دانند. تأییدات الهی همواره همراه این انقلاب بوده، از این رو در عرصه داخل و خارج به موفقیت‌های فراوان دست یافته است.

نتیجه اینکه: نه تنها حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، مصداق روایاتی که نهی از قیام و احیاناً تشکیل حکومت می‌کند نیست، بلکه به دلیل عقل و نقل مصداق واقعی حکومت زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است.

پی‌نوشت:

۱. نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص: ۸۲

۲. حق اعتراض و انتقاد در نظام جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد؟

طبق اصول دینی که نظام اسلامی بر مبنای آن بنیان‌گذاری شده است اعتراض و انتقاد به تصمیمات اتخاذشده کاملاً آزاد هست و مردم می‌توانند بر اساس اصولی همچون امر به معروف و نهی از منکر و یا اصلی با عنوان «النصیحه لائمة المسلمین» و یا اصول دیگر در صورتی که تصمیماتی را مغایر اصول و ارزش‌های دینی و یا به ضرر جامعه تشخیص دادند و یا در مسئولان مربوطه شاهد کم‌کاری‌ها و تخلفاتی شدند نسبت به آن اعتراض نمایند، همچنین اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر حقوق مدنی مردم ایران و آزادی‌های مشروع تأکید دارد جملگی مؤید اصل حق اعتراض نسبت به تصمیمات و عملکرد مسئولان هست اما در این میان لازم است به این نکته نیز توجه شود که به‌منظور جلوگیری از هرج و مرج و نیز ممانعت از سوءاستفاده بدخواهان و بالاتر از همه به‌منظور رسیدن کلیه صاحبان حقی که نسبت به عدم دریافت حق خویش (اعم از حق فردی یا عمومی) به‌ویژه ناشی از کم‌کاری مسئولان اعتراض دارند لازم است ضوابطی رعایت شود از جمله: ۱- رعایت الزامات قانونی ۲- اعتراض در مسیر سازندگی و اصلاح باشد و نه باهدف تخریب که در این مسیر باید از ابزارهایی بهره‌جست که در نهایت باعث سازندگی شود و نه تخریب، به‌ویژه از ابزارهایی که به‌صورت ناخواسته به تخریب منجر می‌شود باید به‌شدت پرهیز شود. ۳- پرهیز از هرگونه جاروجنجال که صرفاً باعث می‌شود تا سخن و اقدام حقی به‌جای کارساز بودن، خاصیت و برد خود را از دست‌داده و به‌عنوان یک اقدام حاشیه‌ساز جلوه‌گر شود. ۴- بیان اعتراض باید به‌گونه‌ای باشد که درعین حال باعث سوءاستفاده دشمنان نشود، به‌عنوان مثال در جریان برخی تجمعات

کارگری چند سال گذشته شاهد بودیم که سردستگان تجمعات که اتفاقاً هیچ مشکلی همچون مشکلات کارگران معترض نداشتند با سرویس‌های بیگانه در ارتباط بوده و از طریق راه‌اندازی این اعتراضات خوراک تبلیغاتی دشمنان نظام اسلامی را فراهم می‌کردند که طبیعتاً این امر مغایر با منافع ملی بوده و به حل مشکلات معترضین نیز کمکی نمی‌نمود.

اما مهم‌ترین راه‌های بیان اعتراض عبارت‌اند از:

۱- اعتراض مستقیم به فرد خاطی به صورت مستقیم و البته با رعایت الزامات قانونی و اخلاقی مرتبط تذکر زبانی.
۲- اعتراض از طریق مراجعه به نهادهای نظارتی و قانونی در جهت رسیدگی به مشکلات کم‌کاری مسئولان به‌ویژه از طریق مکاتبه با مسئولان، چراکه در کشور ما هر مقام، مسئول و حتی کارمندی، تحت ضوابط خاصی مشغول فعالیت بوده و دستگاه‌های نظارتی مختلفی بر عملکرد هر یک از افراد تحت مجموعه نظام نظارت دارند که می‌توان از طریق آن‌ها و به تناسب مورد، نسبت به موضوعی خاص اعتراض نمود.

۳- استفاده از ابزارهای رسانه‌ای به‌ویژه مطبوعات، البته با رعایت شرایط فوق‌الذکر، چراکه رسانه‌ها همان‌گونه که در زمینه انتقال دیدگاه‌های مردم به مسئولان و اصلاح امور نقش مهمی ایفا می‌کنند در عین حال بیشترین آسیب‌ها را در این زمینه می‌توانند به فضای سالم اعتراض و انتقاد وارد نمایند به‌ویژه از طریق جارو جنجال‌هایی که به‌جای سازندگی به تخریب منجر می‌شود.

۴- رفتارهای جمعی اعتراضی که این رفتارها در چند شکل می‌تواند صورت گیرد مثل برگزاری تجمع اعتراضی با رعایت قوانین برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها و نیز رعایت الزامات اعتراض سازنده و یا اینکه در صورتی که مردم از عملکرد یک جریان سیاسی خاصی که بخشی از کشور همچون دولت را در اختیار گرفته‌اند ناراضی باشند با مشارکت فعال در انتخابات بعدی و گزینش فرد و جریان دیگر صدای اعتراضی خود را به صورت مدنی و عملی به گوش مسئولان کم‌کار می‌رسانند.

شایان ذکر است هر کدام از این رفتارها اگرچه با لحاظ موازین قانونی رفتارهای مشروعی می‌باشند اما معقول‌ترین شیوه این است که ابتدا از رفتارهایی استفاده شود که کم‌هزینه‌تر و پرفایده‌تر باشد و در صورت نتیجه‌بخش نبودن از راه‌های دیگر بهره گرفته شود به‌عنوان مثال به‌جای اینکه از همان اول از شیوه برگزاری تجمعات استفاده شود، ابتدا از راهکار امر به معروف و نهی از منکر و تذکر زبانی به فرد کم‌کار استفاده شود و سپس از راهکار مکاتبه با مسئولان استفاده شود و همین‌طور به صورت مرتبه بندی شده از سایر راهکارهای مشروع حق اعتراض بهره گرفته شود.

در هر صورت باید دانست در جمهوری اسلامی ایران آزادی اعتراض و انتقاد وجود دارد و علیرغم اینکه قوانینی همچون قوانین مرتبط با تجمعات و راهپیمایی‌ها، دستورالعمل‌های خاصی را برای این منظور در نظر گرفته‌اند همچون هماهنگی با وزارت کشور و اخذ مجوز، اما نظام اسلامی نشان داده است در مواردی که مردم برای رسیدن به حق مشروع خود، چاره‌ای جز برگزاری تجمعات و تظاهرات اعتراضی نمی‌بینند و در عین حال، اجازه سوءاستفاده

به فرصت طلبان و تخریب گران اموال عمومی را هم نمی دهند، نظام اسلامی بیشترین مماشات را با آنها داشته و اجازه بیان اعتراضات را می دهد بدون اینکه کوچکترین اتهامی را متوجه آنها نماید همچون دهها تجمع اعتراضی که در یکی دو سال اخیر در ارتباط با موضوعاتی همچون مسکن مهر و مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز در کشور برگزار شد و در برخی از آنها تندترین انتقادات و اعتراضات به مقامات مسئول همچون وزرا در حضور خودشان صورت گرفت، بدون اینکه کوچکترین برخوردی با آنها صورت گیرد و برخوردها زمانی انجام شد که عدهای با سوءاستفاده از فضای اعتراضی مردم، وارد صفوف آنها شده و بدون اینکه مشکلاتی همچون مشکلات اکثریت مردم داشته باشند با تحریک بیگانگان به دنبال منویات خاص خود رفته و اقدامات تخریبی انجام دادند که البته در این موارد، مردم نیز صف خود را از معترضان جدا کردند که حاکی از آن بود که نظام اسلامی مشکلی با برگزاری تجمعات اعتراضی مردم نداشته و صرفاً با سوءاستفاده گرانی که به تخریب اموال عمومی و سلب آرامش و امنیت مردم می پردازند برخورد می کند.

۳. چرا رهبر معظم انقلاب ادعا دارند که تحریمهای اقتصادی بر زندگی افراد جامعه اثر نداشته است در صورتی که مشاهدات و واقعیت برخلاف این موضوع هست؟

با جستجوی گسترده در بیانات مقام معظم رهبری، به جمله و کلامی که بیانگر بی اثر بودن تحریمها از طرف دشمنان باشد، دست نیافتیم و مراجعه به بیانات ایشان چنین چیزی را اثبات نمی کند. به عنوان نمونه ایشان می فرماید: «البته تحریم مشکلاتی ایجاد کرده؛ در این شکی نیست. همه ی مشکلات هم مربوط به تحریم نیست؛ مقداری مربوط به ضعفهای ما در مدیریت کشور است، مقداری هم در این اواخر مربوط به کرونا است، مقداری هم مربوط به تحریم است؛ مشکلات هست؛ [مثل] وضع معیشت مردم که حالا من بعد برمی گردم به این قضیه. مشکلاتی وجود دارد اما آنچه آنها می خواستند نشده و نخواهد شد؛ آن چیزی که آنها در ذهنشان بوده نشده، این خواب آشفته ی این دشمن خبیث تعبیر نشده. اتفاقاً همین تعبیر نشدن این خواب و تحقق نیافتن مقاصد اینها را هم خودشان اعتراف می کنند؛ الآن در خبرهای فراوانی که از جاهای متعددی -از غرب، از آمریکا، از اروپا- می رسد و افرادی که در همین اندیشه ها مشغول کارند، دارند اعتراف می کنند و میگویند فشار شدید تحریم و شدت عملی که آمریکا به خرج داد، به مقصود نرسید و نتوانستند آن کاری که در مورد ایران می خواستند انجام بدهند انجام بدهند. این نکته ی اول؛ بنابراین تحریم یک جنایتی بود با این هدفها و دشمن به این هدفها بحمدالله نرسیده و نخواهد رسید.» (۱۰/۰۵/۱۳۹۹)

در حقیقت دو نکته اساسی در فرمایشات ایشان عبارت اند از اینکه:

۱. عمده مشکلات اقتصادی اخیر مربوط به عملکردها است و اگر عملکردها بهتر و باتدبیرتر و به هنگام تر و قوی تر باشد، تحریمها تأثیر زیادی نخواهد داشت و می توان مقابل آن ایستاد.

۲. آمریکا و دشمنان انقلاب اسلامی همچنان که از ابتدای انقلاب با همه توطئه‌هایی که علیه کشورمان داشتند، موفق نبودند، به فضل الهی در این تحریم‌های ظالمانه هم به اهداف شوم خود نخواهند رسید.

۴. آیا جمهوریت با اسلامت قابل جمع است؟ به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی واژه‌ای متناقض باشد؟

نسبت بین، «اسلامیت» و «جمهوریت» و جایگاه این دو موضوعی است که ذهن برخی از اندیشمندان سیاسی را به خود مشغول نموده است آنچه زمینه‌ساز این مباحث شده بر دو محور عمده استوار است؛ اول اینکه، «جمهوریت»، از این نظر که یک شکل خاص حکومتی است چگونه با «اسلامیت» سازگار بوده و هم‌خوانی خواهد داشت چه اینکه لازمه جمهوریت، حاکمیت مردم و مقتضای «اسلامیت» حاکمیت مبانی و اصول اسلامی است. دوم اینکه، اسلامیت نظام و دینی بودن حکومت در گرو پذیرش مرجعیت همه‌جانبه دین در عرصه سیاست و اداره جامعه است. (۱)

به تعبیر دیگر حکومت دینی، حکومتی است که نه تنها همه قوانین و مقررات اجرایی آن برگرفته از احکام دینی است، بلکه مجریان آن نیز مستقیماً از طرف خدا منصوب‌اند، یا به اذن خاص یا عام معصوم - علیه‌السلام - منصوب شده‌اند. برخی ترکیب «جمهوری» و «اسلامی» را ترکیبی مبهم و نامأنوس انگاشته‌اند و بر این اعتقادند که مفهوم «جمهوری اسلامی» در تعارض با مفهوم «جمهوری» به معنای عام و مصطلح آن هست و تا آنجا پیشرفته‌اند که «هرگونه اعمال تضییق در دامنه اختیار مردم و وضع مقررات در جهت تحدید اصل جمهوریت را موجب تضعیف نظام می‌انگارند و آرزو می‌کنند قید «اسلامی» از جمهوری اسلامی برداشته شود با این تصور که اگر قواعد و ضوابط قبلی تعیین کنیم، این خطر هست که دموکراسی و جمهوریت نظام خدشه بردارد». (۲)

اشکال اساسی این دیدگاه آن است که با محور قرار دادن «جمهوری» در اصطلاح خاص خود که خاستگاه غربی دارد می‌خواهد از زاویه معیارهای غربی تلاش نماید تا درک صحیحی از مفهوم جمهوری اسلامی داشته باشد لکن روشن است چنین امری امکان‌پذیر نخواهند بود به تعبیر شهید مطهری اشتباه آن‌ها که این مفهوم را مبهم دانسته‌اند ناشی از این است که حق حاکمیت ملی را مساوی با نداشتن مسلک و ایدئولوژی و عدم التزام به یک سلسله اصول فکری درباره جهان و اصول عملی درباره زندگی دانسته‌اند اینان می‌پندارند که اگر کسی به حزبی، مسلکی، مرامی و دینی ملتزم و متعهد شد و خواهان اجرای اصول و ضوابط آن گردید آزاد و دموکرات نیست. پس اگر کشور اسلامی باشد، یعنی مردم مؤمن و معتقد به اصول اسلامی باشند و این اصول را بی‌چون و چرا بدانند، دموکراسی به خطر می‌افتد.

منشأ اشتباه آنان که اسلامی بودن جمهوری را منافی با روح دموکراسی می‌دانند ناشی از این است که دموکراسی موردقبول آنان هنوز همان دموکراسی قرن هجدهم است که در آن حقوق انسان در مسائل مربوط به معیشت و خوراک و مسکن و پوشاک و آزادی در انتخاب راه معیشت مادی خلاصه می‌شود اما اینکه مکتب و عقیده و

وابستگی به یک ایمان هم جزء حقوق انسانی است و اینکه اوج انسانیت در وارستگی از غریزه و تبعیت از محیط‌های طبیعی و اجتماعی و در وابستگی به عقیده و ایمان و آرمان است به کلی به فراموشی سپرده شده است. (۳) مرحوم امام (ره) در مورد ماهیت حکومت جمهوری اسلامی فرمودند «ماهیت حکومت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است، با اتکا به آرای عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام هست». (۴)

همچنین فرمودند: جمهوری اسلامی که می‌گوییم این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می‌شود این‌ها بر اسلام متکی است لکن انتخاب با ملت است. (۵)

شهید مطهری درباره ماهیت جمهوری اسلامی چنین فرمودند: «جمهوری اسلامی از دو کلمه مرکب شده است، کلمه جمهوری و کلمه اسلامی. کلمه جمهوری شکل حکومت پیشنهاد شده را مشخص می‌کند و کلمه اسلامی محتوای آن را ... یعنی پیشنهاد می‌کند که این حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره شود و در مدار اصول اسلامی حرکت کند ... به این ترتیب جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که شکل آن، انتخاب رئیس حکومت از سوی عامه مردم است برای مدت موقت (جمهوری) و محتوای آن هم اسلامی است». (۶)

نتیجه اینکه: جمهوری اسلامی واژه‌ای متناقض نیست بلکه «جمهوریت» نشان‌دهنده شکل و «اسلامیت» بیان‌گر محتوای حکومت است.

پی‌نوشت:

۱. واعظی، احمد، حکومت اسلامی، قم، نشر سامیر، ۱۳۸۰، ص ۳۰ و ۳۱
۲. حجاریان، سعید، جمهوریت، افسون زدایی از قدرت، تهران، ص ۳۱۷ و ۴۸۷
۳. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۸۳ و ۸۴
۴. صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۰۵
۵. صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۴۵
۶. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸، ص ۷۹ و ۸۰

بخش فقه و احکام

۱. آیا در مناسبت‌های ملی مثل دهه فجر، می‌توان در داخل مسجد آهنگ‌های حماسی را پخش و اجرا کرد؟
پاسخ: کلیه صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است؛ و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف، یعنی افراد فهمیده متدین، خواهد بود. ولی پخش مناسبتی حتی از نوع حلال در شان و منزلت مسجد نیست. (۱)

پی‌نوشت:

۱. سایت آیت‌الله مکارم.

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۴۶۴۸۵&mid=۲۶۰۰۴۷>

۲. نصب تصویر امام خمینی (ره) و شهدای انقلاب اسلامی در مساجد، با توجه به این که راجع به کراهت آن مطالبی وجود دارد، چه حکمی دارد؟

آیت‌الله خامنه‌ای: اشکال ندارد لکن اگر در شبستان باشد بهتر است هنگام نماز، به طریقی روی آن پوشانده شود.
آیت‌الله مکارم: تصویر محراب اشکالی ندارد، نصب قاب عکس موجودات زنده کراهت دارد و احتیاط واجب آن است که عکس چیزهایی که روح دارد مثل انسان و حیوان را در مسجد نصب نکنند (منظور نقش کردن مانند نقاشی یا کاشی چسباندن هست)، ولی در جای دیگر مانند کتابخانه مسجد مانعی ندارد.

آیت‌الله شبیری: احتیاط مستحب ترک نصب عکس و تصویر انسان و هر موجود دارای روح، در مسجد است. (۱)

پی‌نوشت:

۱. سایت هدانا

<https://hadana.ir/%D۹%۸۶%DB%۸۸-%D۹%۸۸%DB%۸C%D۹%B۱-%D۹%۸۸-%D۹%AA%D۹%B۵%D۹%۸۸-%D۹%۸۴%D۹%۸۸-%D۹%AF%D۹%B۱-%D۹%۸۵%D۹%B۳%D۹%AC%D۹%AFs/>

۳. آیا انتقاد از مسئولین در جمعی که آن‌ها حضور ندارند، غیبت محسوب می‌شود؟
غیبت هیچ کس جایز نیست و غیبت آن است که عیب پنهانی و مخفی شخص، نزد کسی که از آن اطلاع ندارد بیان شود؛ اما انتقادهای سازنده همراه ادب و احترام اشکالی ندارد. (۱)

پی‌نوشت: ۱.

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۴۶۴۳۴&mid=۲۵۹۴۱۶>

۴. در تعارض بین فتوای مجتهدم با ولی فقیه کدام را باید عمل کنم؟

در مواردی که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید مختلف است، اگر این اختلاف، در مسائل مربوط به اداره‌ی کشور و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد باشد، مثل دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولی امر مسلمین اطاعت شود و اگر در مسائل فردی محض باشد، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید. (۱)

پی‌نوشت: ۱.

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۷۳۰۴>

بخش مشاوره و اخلاق اسلامی

۱. پدرم موافق فعالیت بنده در بسیج یا شرکت در راهپیمایی و... نیست. چگونه او را راضی کنم؟

در ابتدا باید دلیل این مخالفت را بررسی کنید چرا که گاهی اوقات یک تجربه ناخوشایند از بسیج یا راهپیمایی یا به طور کلی مسائل مربوط به انقلاب مانند بدرفتاری که با پدرتان شده باعث گردیده که ایشان نسبت به بسیج و موارد مذکور ذهنیت منفی پیدا کنند. همچنین گاهی اوقات وجود مشکلات اقتصادی مزید بر علت شده وعده‌ای این مسائل را صرفاً از بسیج و ارگان‌های مربوط به انقلاب می‌دانند و نیز باید اضافه نمود که بعضاً ممکن است پدرتان تحت تأثیر صحبت‌های اطرافیان و دوستان یا شبکه‌های معاند باشند. و البته در مواردی هم عدم اطلاع والدین از برنامه‌های مفید بسیج باعث می‌گردد که واقعاً از روی دلسوزی و به خاطر اینکه وقت فرزندشان به اصطلاح تلف نشود مانع رفتنش به بسیج می‌شوند؛ بنابراین گفت‌وگوی صمیمانه با ایشان در به دست آوردن دلیل این مخالفت، برای پیدا نمودن راه‌حل بسیار می‌تواند مؤثر باشد.

اما شاید آن چیزی که از همه مهم‌تر به نظر می‌رسد آن است که پدر شما باید تأثیر شرکت شما در بسیج و موارد این چنینی را در رفتار شما به عینه مشاهده نمایند یعنی باید شما در خانه و در نقش فرزند برای پدر هم یک بسیجی به تمام معنا باشید. طبیعتاً ادعای بسیجی بودن با اینکه در خانه رفتار مناسبی با والدین نداشته باشید ناسازگار است. اطاعت از والدین، درس خواندن، حرف گوش کردن، مهربان بودن و... از شاخصه‌های یک فرد بسیجی و انقلابی است که اگر هر کسی این رفتارها را ببیند طبیعتاً عاشق مرام و فکر آن شخص خواهد شد. لذا اگر تاکنون قصور یا تقصیری در این موارد در خانه داشته‌اید حتماً به فکر اصلاح و جبران باشید در این صورت است که مطمئناً پدر شما مخالفتی با بسیج رفتن یا شرکت شما در راهپیمایی نخواهند داشت بلکه مشوق هم خواهند بود هر چند ممکن است خودشان این برنامه‌ها را قبول نداشته باشند. نمونه‌های عینی این موضوع، برخی از رزمندگان و شهدا در زمان جنگ هستند که علی‌رغم آن که والدینشان راضی به حضور آنها در جبهه‌ها نمی‌شدند آنها با ابراز لطف و محبت و رسیدگی بیشتر به والدین زمینه‌های رضایت پدر و مادر را جلب می‌کردند و بسیار بودند مواردی که حتی پدر یا مادر خود را عاشق امام و جبهه و نظام کردند.

نکته بعدی آن است که سعی کنید اگر حساسیت زیادی وجود دارد صرفاً در مهم‌ترین برنامه‌های بسیج شرکت کنید؛ یعنی شاید نیاز نباشد در طول هفته هر شب در برنامه‌های پایگاه حضور داشته باشید بلکه در مهم‌ترین برنامه‌ها شرکت کنید و سریع‌تر به منزل برگردید تا زمینه حساسیت فراهم نشود.

نکته پایانی آنکه می‌توانید از مادر یا خواهر یا برادر بزرگ‌تر بخواهید که در این موضوع با پدرتان گفت‌وگو نمایند و ایشان را نسبت به همراهی شما راضی کنند.

۲. در شب‌نشینی‌ها، محل کار و... با افرادی که به‌نظام و رهبری توهین می‌کنند چگونه باید رفتار کرد؟

اشخاص توهین‌کننده همگی یکسان نیستند. بعضی به علت مشکل یا مصیبتی که برایشان پیش آمده به جهت کم‌تحملی اقدام به توهین به مقدسات یا انقلاب اسلامی می‌نمایند. برخی به علت این که اغفال شده‌اند و اطلاعات کافی ندارند به جهت باطل دیدن حق اقدام به توهین می‌نمایند. برخی نیز نه عصبانی هستند و نه بی‌اطلاع بلکه مغرض و معاند و کینه‌توز هستند و در این روحیه نیز سابقه دارند به طوری که از هر فرصتی برای بدگویی استفاده می‌کنند. وظیفه ما در قبال هر یک از سه گروه مذکور از نظر شکلی و محتوایی مختلف هست پس قبل از هر چیز در این مسئله انسان باید موقعیت‌شناس باشد.

در برخورد با گروه اول باید مدتی سکوت نمود و خود را به تغافل زد زیرا بعد از فروکش شدن خشم و عصبانیت، خود آن شخص از عمل خود پشیمان می‌شود.

در فقه اسلامی، جملاتی که حتی در حد ارتداد است اگر از شخص در حال خشم و عصبانیت صادر گردد مورد چشم‌پوشی است و حکم ارتداد بر چنین شخصی بار نمی‌شود.

اما وظیفه ما در قبال گروه دوم، اقدام به نصیحت و اطلاع‌رسانی صحیح است؛ یعنی اگر احتمال تأثیر بدسیم باید به بحث منطقی و علمی با این گونه افراد پردازیم و نکته مهم این است در مقابل هر ادعایی که می‌کنند مطالبه دلیل نماییم و به صرف این که فلان مسئله و شایعه درست است چون همه می‌گویند قانع نشویم. البته خود ما نیز باید برای تمام ادعاهای خود دلیل متقن و منطقی و قانع‌کننده داشته باشیم.

طبیعتاً اگر اطلاعات ما در آن موضوع کم باشد یا شیوه بحث و گفتگو و مناظره را به خوبی ندانیم یا از قدرت بیان کافی برخوردار نباشیم بهتر است شخصاً وارد بحث نشویم و او را به فرد دیگری که از عهده این کار بر می‌آید معرفی کنیم زیرا در ابتدا هم ذکر نمودیم که اگر احتمال تأثیر می‌دهید اقدام به بحث کنید و مسلماً کسی که از نظر علمی یا بیان ضعیف است احتمال اثر عقلایی در مناظره‌اش نمی‌رود مگر این که طرف مقابل خیلی ضعیف باشد و توان ما برای قانع نمودن او کافی باشد.

اما نسبت به گروه سوم که معاند و هرزه‌گو هستند بهترین کار پرهیز از برخورد و گفتگو با این گونه افراد است. سخن منطقی با این گونه اشخاص اثربخش نیست. گوش دادن به یاوه‌گویی‌های آنان نیز اعصاب انسان را خرد می‌کند. پس بهتر است از سخن و حرف و معاشرت با این اشخاص دوری نمود.

در هر صورت باید توجه داشت که بی‌تفاوتی نسبت به مسائل پیرامون خویش خصوصاً در زمینه توهین به مقدساتی همچون نظام اسلامی و ولایت فقیه پسندیده نیست و البته باید حساب توهین را از انتقاد جدا نمود.

۳. با همسر در مسائل سیاسی اختلاف نظر داریم. چگونه باید رفتار کنیم که این اختلاف نظر منجر به مشکل نشود و همسویی پیدا کنیم؟

وجود اختلاف نظر بین زن و شوهر در مسائل مختلفی متصور است که یکی از آن موارد مسائل و موضوعات سیاسی هست چراکه زن و شوهر هر دو انسان‌هایی عاقل و دارای استقلال فکری می‌باشند لکن آنچه در عرصه خانواده مهم است تفاهم زن و شوهر هست به این معنا که هر اختلاف نظری در زمینه سیاسی یا موارد دیگر نباید به اصل ارتباط آن‌ها به عنوان زن و شوهر لطمه‌ای وارد کند. بالا بردن قدرت تحمل در خود با احترام گذاردن به عقاید سیاسی طرف مقابل جزء ضروریات زندگی مشترک جهت دستیابی به تفاهم هست. پرهیز از تعصب‌های غیرعقلانی و گرایش‌های تند سیاسی شرط لازم جهت ادامه حیات زندگی مشترک است. چه بسا بوده و هستند زن و شوهرهایی که هریک از دو فرقه مذهبی هستند مثلاً یکی شیعه و دیگری سنی ولیکن با صلح و صفا با یکدیگر زندگی می‌نمایند؛ بنابراین زوجین نباید کانون خانواده را یک مجمع سیاسی یا تجمع سیاسی تلقی کنند بلکه مسائل سیاسی را جزئی از حیات زندگی مشترک خود بدانند و بر اساس لوازمی همچون احترام متقابل با یکدیگر برخورد کنند. برای این منظور چند توصیه قابل ذکر است:

۱. تحت هیچ شرایطی نباید به باورهای طرف مقابل یا افرادی که محبوب او هستند توهین نمایید حتی اگر طرف مقابل اهل توهین باشد.

۲. گفت‌وگو در زمینه مسائل سیاسی را تا آنجایی می‌توانید پیش ببرید که منجر به جدل، تنش و جروبحث نگردد.
۳. گاهی اوقات که زمینه مناسبی پیدا می‌شود سعی کنید در قالب یک گفت‌وگوی صمیمانه و جدی به نقد باورهای سیاسی یکدیگر پردازید بدون آنکه شخصیت یکدیگر را بخواهید تخریب کنید.

۴. به‌طور جدی توصیه می‌شود که پای فرزندان را نباید به این اختلاف‌نظرها و اردو کشی‌های سیاسی باز کنید.

۵. در زمان گفت‌وگو در مورد سیاسیون محبوب همسرمان از آن‌ها با احترام و با ذکر القابی همچون خانم یا آقای فلانی یاد کنیم.

۶. به یاد داشته باشیم که هر جریان سیاسی و یا هر فرد سیاسی طبیعتاً دچار ضعف‌ها و نقاط منفی خواهد بود بنابراین اگر طرفدار این جریان‌ها و افراد هستیم به‌صورت صفر و صد و تعصب وار از آن‌ها دفاع نکنیم و همیشه این احتمال را بدهیم که ممکن است آن فرد سیاسی یک روزی تفکرش برخلاف تفکر امروزی‌اش شود یا آنکه ممکن است نظر ما در مورد آن جریان سیاسی و آن فرد عوض شود.

۷. زوجین با وجود اختلاف نظر سیاسی، به‌هیچ‌وجه نباید از رسیدگی و تأمین نیازهای طرف مقابل غفلت بورزند.

۸؛ و نکته پایانی خطاب به خانم آن است که چه در مورد مسائل سیاسی یا غیر آن، هرگونه بحث و گفت‌وگویی اگر انجام می‌شود به‌صورت جدی حواستان به اقتدار یا همان غرور مردانه شوهرتان باشد چراکه اگر غرور یک مرد خدشه‌دار شود تبعات آن را باید در سایر ابعاد زندگی‌تان شاهد باشید.